



کاربردی از رهیافت آسیب‌شناسی رشد در ایران: درخت تصمیم‌گیری HRV

ابراهیم التجائی^۱

محمدعلی ابوترابی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

چکیده

رهیافت آسیب‌شناسی رشد، چارچوبی برای شناسایی کلیدی‌ترین موانع رشد اقتصادی «خاص هر کشور» است. این رهیافت با وجود منطبق بودن بر منطق مدل‌های رشد درون‌زا، بر خلاف این مدل‌ها، مجموعه ثابتی از عوامل تعیین‌کننده رشد را برای همه کشورها مفروض نمی‌داند. به جای آن، همه عوامل بالقوه مؤثر بر رشد، از جمله عوامل اقتصادی و غیر اقتصادی، را در قالب یک فهرست طولانی درج می‌کند و با استفاده از یک درخت تصمیم‌گیری، تعداد محدود و مشخصی از عوامل کلیدی را شناسایی می‌کند. این چارچوب ضمن انعطاف‌پذیری بیش‌تر نسبت به چارچوب‌های رقیب، اصول و روش‌شناسی علم اقتصاد را هم نقض نمی‌کند. فرآیند درخت تصمیم‌گیری با این پرسش آغاز می‌شود که: چه عاملی علت سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی در کشور است؟ در پاسخ این پرسش که می‌تواند «پایین بودن بازدهی اجتماعی سرمایه‌گذاری» و یا «بالا بودن هزینه تأمین مالی» باشد، هر یک از این دو مسیر به شاخه‌های باریک‌تری شکسته می‌شوند. در این مقاله با به-کارگیری رهیافت آسیب‌شناسی رشد و درخت تصمیم‌گیری HRV، چند عامل به عنوان موانع تعیین‌کننده رشد اقتصادی ایران شناسایی شدند: کیفیت سرمایه‌انسانی، کیفیت زیرساخت‌ها، ریسک‌های خرد و ریسک‌های کلان که هر دو به سیاست‌های مدیریت اقتصادی کشور، از جمله شاخص‌ها و سیاست‌های حکمرانی خوب بازمی‌گردند. در شاخه مالی، سرکوب مالی و تبعیض‌های بخشی مهم‌ترین عامل عدم توسعه مالی متوازن برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی شده است. مجموعه این تعیین‌کننده‌ها، در فقدان یک گرایش و اندیشه صحیح و روشن در سیاست‌گذاری رشد و توسعه اقتصادی و یادگیری در سطح مدیریت کلان و سیاست‌گذاری شکل گرفته است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی رشد، اقتصاد ایران، حکمرانی خوب، ریسک‌های خرد، ریسک‌های کلان، توسعه مالی.

۱- مقدمه

در طول نیم قرن گذشته بسیاری از کشورهایی که درآمد سرانه‌ای تقریباً برابر با ایران یا حتی بسیار کمتر داشته‌اند، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده و توانسته‌اند درآمد سرانه و در نتیجه، رفاه و توسعه اقتصادی خود را به سطح بالایی برسانند. ولی در ایران، علیرغم وجود پتانسیل‌های بالایی از مناظر گوناگون و با وجود تأکید برنامه‌های متعدد توسعه و سایر اسناد بالادستی بر دستیابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا و پایدار، میانگین رشد اقتصادی در دوره ۴۵ ساله اخیر بسیار اندک بوده است.

پایین بودن رشد اقتصادی بلندمدت ایران، در عرصه داخلی و بین‌المللی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گسترده‌ای داشته و خواهد داشت. رشد اقتصادی اندک در ایران، اغلب شاخص‌های توسعه را دچار بحران کرده و به جرأت می‌توان ادعا نمود که مهم‌ترین مسئله اقتصادی و حتی سیاسی و اجتماعی ایران در حال حاضر، پایین بودن رشد اقتصادی کشور است. تداوم این مسئله در بلندمدت و نیز نوسان‌های شدید رشد نشان می‌دهد که برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های متعدد و متنوع عموماً یا اثربخش نبوده یا دارای آثار منفی بر رشد بوده است. هم‌اکنون این ضرورت وجود دارد که سیاست‌گذاری کلان کشور با در نظر داشتن این مسئله، به طور جدی مورد بازبینی قرار گیرد و درصدد اقداماتی برآید که مسیر و روند رشد اقتصادی را در کشور متحول کند و اقتصاد ایران را در مسیر رشد قرار دهد؛ که فقط در آن صورت، توسعه در مفهوم گسترده آن نیز امکان‌پذیر خواهد شد.

اهمیت مسئله رشد اقتصادی چنان است که عموماً در ادبیات اقتصاد به جای تمرکز بر شاخص‌های رفاه، مصرف یا خوشبختی، تمرکز بر آمار رشد اقتصادی است. شاید قانع‌کننده‌ترین دلیل این تمرکز این باشد که رشد اقتصادی اساساً رفاه مادی جوامع را تعیین می‌کند. رشد اقتصادی کشورهای پیشگام در مسیر تاریخی رشد، سطحی از رفاه و استاندارد زندگی را تقریباً برای همه مردم فراهم کرده که صد سال پیش فقط تعداد انگشت‌شماری از افراد طبقه مرفه می‌توانستند تجربه کنند. در مقابل، رشد اقتصادی اندک یا منفی کشورهای بازمانده از این مسیر، سبب پایین ماندن رفاه صدها میلیون نفر در سراسر جهان شده است.

به لحاظ تاریخی، ایران یکی از پیشگامان برنامه‌ریزی در میان کشورهای در حال توسعه است. اولین برنامه توسعه ایران در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ خورشیدی) آغاز شد که ۱۳ سال زودتر از اولین برنامه کره جنوبی، ۷ سال زودتر از اولین برنامه ژاپن، ۴ سال زودتر از اولین برنامه چین و ۲ سال زودتر از اولین

برنامه هند و ۱ سال زودتر از مالزی بود. اقتصاد ایران با گذراندن پنج برنامه عمرانی (۱۳۲۸-۱۳۵۶) و هم‌چنین شش برنامه توسعه (۱۳۶۸-۱۴۰۰)، نه تنها به توسعه اقتصادی نرسیده، بلکه هنوز با مشکلات جدی در شاخص‌های کلان (نرخ رشد اقتصادی پایین، نرخ تورم دو رقمی، نرخ بیکاری دو رقمی و ...) دست به گریبان است و دست‌آوردها تناسبی با حجم عظیمی از منابع انسانی، مالی و طبیعی صرف‌شده نداشته و «شکاف بزرگ» میان درآمد سرانه ایران و کشورهای پیشگام رشد، کاهش نیافته و حتی هم‌گرایی رشد در آینده نزدیک در دسترس به نظر نمی‌رسد.

به‌ویژه در چهار دهه گذشته، با وجود تأکید برنامه‌های توسعه و سایر اسناد بالادستی بر دستیابی به نرخ‌های رشد اقتصادی بالا، باثبات و پایدار، متوسط رشد تولید ناخالص داخلی واقعی کم‌تر از ۲ درصد و نیز نوسان‌های شدید آن نشان می‌دهد برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها اثربخش نبوده و نیازمند بازبینی‌های جامع است.

برای درک چرایی مسئله پایین بودن متوسط رشد اقتصادی ایران طی این دوره، باید بدانیم تعیین‌کننده‌های رشد کدامند. رهیافت «آسیب‌شناسی رشد»^۱ که نخستین بار توسط هاسمن، رودریک و لاسکو^۲ (۲۰۰۵) پیشنهاد شده است، چارچوبی برای شناسایی آسیب‌ها و موانعی که رشد اقتصادی در هر کشور به طور خاص با آن مواجه است ارائه می‌دهد. این رهیافت از این پس HRV خوانده می‌شود. این مقاله تلاش می‌کند تا با به‌کارگیری رهیافت و درخت تصمیم‌گیری HRV مهم‌ترین آسیب‌ها و موانع رشد اقتصادی در ایران را شناسایی کند. استفاده از این رویکرد در ادبیات رشد اقتصادی ایران نوآورانه است و امید می‌رود که بتواند به فهم مشترک قابل دفاع و درکی نظام‌مند از موانع اصلی رشد پایین اقتصادی ایران بیانجامد.

رهیافت آسیب‌شناسی رشد به دنبال شناسایی علت‌های «از رشدماندگی» یک کشور خاص در زمان حاضر است. بنابراین باید توجه داشت که: یکم، هر کشور باید به‌طور خاص و منحصر به فرد مطالعه شود و از مطالعه بین‌کشوری پرهیز شود. دوم، انتخاب بازه زمانی مطالعه نباید آن‌قدر طولانی باشد که تغییراتی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا در شیوه حکمرانی کشور منتخب اتفاق افتاده باشد. سوم و از همه مهم‌تر آن‌که، تمرکز بر علت‌های از رشدماندگی (که در واقع موانع پیش‌روی رشد اقتصادی آن کشور خاص هستند) نباید سیاه‌نمایی و عدم توجه به دستاوردها و موفقیت‌ها قلمداد شود.

1. Great Divide

2. Growth Diagnostics

3. Hausmann, Rodrik & Velasco (HRV) (2005)

صورت‌بندی مقاله به این شرح خواهد بود که در بخش دوم و سوم، روش‌شناسی و پیشینهٔ رهیافت آسیب‌شناسی رشد مرور می‌شود. سپس با تحلیل مبتنی بر شواهد آماری و درخت تصمیم‌گیری HRV یافته‌های پژوهش ارائه می‌شود. بخش پایانی نیز به نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی می‌پردازد.

۲- روش‌شناسی آسیب‌شناسی رشد

«تفکر پیرامون توسعه» و «دستیابی به توسعه» نیازمند دو رکن اساسی است: نخست، درک دقیق و عمیق از ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در حال و گذشته حاصل شود (وضعیت موجود و وابستگی به مسیر)؛ دوم، استراتژی رشد اقتصادی مناسب تعیین شود (برای حصول به وضعیت مطلوب). هر دو رکن در چارچوب یک قالب فکری، معنی پیدا می‌کند. در واقع، یک پژوهشگر برای تفکر در حوزه توسعه یا یک دولت‌مرد برای سیاست‌گذاری در دستیابی به توسعه (حتی اگر خود را مستقل بداند)، برای تجزیه و تحلیل ساختارهای حاکم بر جامعه و ارائه راهکار، نیازمند یک چارچوب نظری قابل دفاع است؛ تا علت را از معلول، متغیرهای عملکرد را از متغیرهای مؤثر بر عملکرد، اهداف اصلی را از اهداف فرعی و زیرساختارها را از روساختارها شناسایی کرده و هم‌چنین بتواند تقدم‌ها و تأخرها و بخش‌های پیش‌ران و غیر پیش‌ران را از یکدیگر تفکیک کند. در عین حال، اکثر چارچوب‌های نظری رشد چنان محدود شده هستند که کم‌تر مجالی برای تبیین چندرشته‌ای موانع فراهم می‌آورند. در این میان، آسیب‌شناسی رشد با رویکرد منحصر به فردی که به این مسأله دارد، کاملاً متمایز شده است. رهیافت آسیب‌شناسی رشد، چارچوبی برای شناسایی کلیدی‌ترین موانع رشد اقتصادی «خاص هر کشور» است. این چارچوب مبتنی بر این ایدهٔ مرکزی است که در هر اقتصاد، موانع متفاوتی برای رشد وجود دارند. با وجود این که، رویکرد آسیب‌شناسی رشد منطبق بر منطق مدل‌های رشد درون‌زا است، اما برخلاف این مدل‌ها، مجموعهٔ ثابتی از عوامل تعیین‌کنندهٔ رشد را برای همهٔ کشورها مفروض ندانسته و بر این باور است که موانع رشد باید، به طور خاص، برای هر کشور به صورت جداگانه مطالعه شوند. بنابراین، در این رویکرد، قبل از شناسایی آسیب‌ها نمی‌توان پیشنهاد سیاستی خاصی برای رشد یک کشور ارائه داد (هاسمن، رودریک و ولاسکو، ۲۰۰۵).

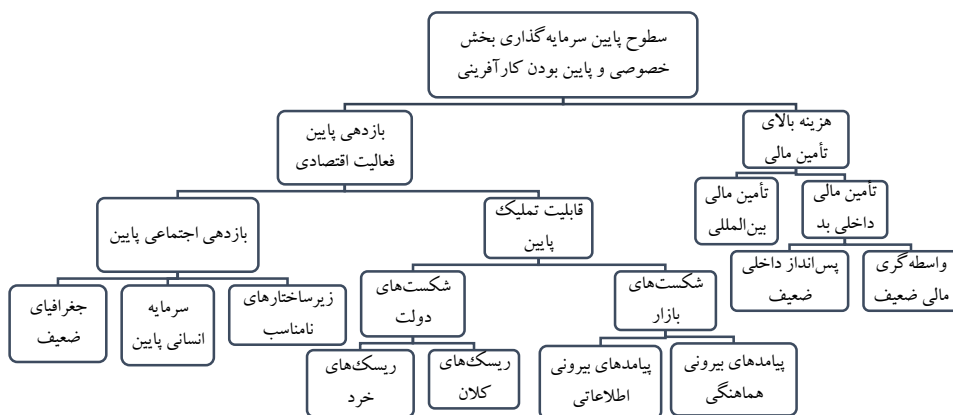
یکی از مزیت‌های این رویکرد آن است که روش‌شناسی آن مشابه تعیین استراتژی توسعهٔ اقتصادی بهینه است. به این معنی که، به جای لیست کردن همهٔ عوامل بالقوهٔ مؤثر بر رشد در قالب یک فهرست طولانی، با استفاده از یک درخت تصمیم‌گیری، تعداد محدود و مشخصی از عوامل کلیدی را شناسایی

می‌کند. محدود نمودن موانع رشد، به سیاست‌گذار این امکان را می‌دهد تا منابع کشور را روی نقاط حساس و کلیدی، متمرکز سازد.

مزیت دیگرش آن است که عملاً موانع غیر اقتصادی را نیز لحاظ می‌کند؛ با این تفاوت که آن‌ها را در یک چارچوب نظری اقتصادی قابل دفاع می‌گنجانند. به علاوه، به محدودیت‌های منابع کشور مورد نظر نیز به طور هم‌زمان توجه دارد.

مزیت فوق‌العاده این رویکرد آن است که از یک سو، ذهن سیاست‌گذاران را به چند متغیر اقتصادی خاص که عموماً در مدل‌های رشد اقتصادی مطرح می‌شوند (مانند پس‌انداز یا انباشت سرمایه)، محدود نمی‌کند؛ از سوی دیگر، ذهن سیاست‌گذاران را با انبوهی از متغیرهای اقتصادی و غیر اقتصادی (که به تنهایی، هر یک می‌توانند بر رشد اقتصادی مؤثر باشند) گیج نمی‌کند.

به همین جهات، چارچوب آسیب‌شناسی رشد، نسبت به چارچوب‌های رقیب، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و در عین حال، اصول و روش‌شناسی علم اقتصاد را نقض نمی‌نماید. فرآیند درخت تصمیم‌گیری با این پرسش آغاز می‌شود که: چه عاملی علت سطح پایین سرمایه‌گذاری خصوصی و کارآفرینی در کشور است؟ پاسخ می‌تواند «پایین بودن بازدهی اجتماعی سرمایه‌گذاری» باشد و یا «بالا بودن هزینه تأمین مالی». سپس هر یک از این دو مسیر به شاخه‌های باریک‌تری شکسته می‌شوند. این رویکرد، بر اساس روش درخت تصمیم‌گیری و با پرسیدن پرسش‌های متوالی و در طول هم، انجام می‌شود. به عنوان مشهورترین نمونه، درخت تصمیم‌گیری هاسمن، رودریک و ولاسکو (۲۰۰۵) برای آسیب‌شناسی رشد، در شکل ۱ نشان داده شده است.



منبع: هاسمن، رودریک و ولاسکو (۲۰۰۵: ۲۷)

شکل ۱: درخت تصمیم‌گیری آسیب‌شناسی رشد HRV

۳- پیشینه پژوهش‌ها در چارچوب رهیافت آسیب‌شناسی رشد

این رهیافت برای شمار قابل توجهی از کشورها به دفعات انجام شده که در جدول ۱ به خلاصه‌ای از آن‌ها اشاره شده است. برای اقتصاد ایران تاکنون تنها دو مقاله توسط دادگر و همکاران (۲۰۲۰) و ابوترابی و حاج‌امینی (۲۰۲۰) در «همایش ملی بازشناسی چالش‌های رشد اقتصادی در ایران؛ تبیین موانع تولید و به‌سازی راهبردها و سیاست‌ها» ارائه شده است؛ که اولی، با ارائه شواهد تجربی متناسب با درخت تصمیم‌گیری HRV استدلال می‌کند که ساختارهای نهادی و حکمرانی ضعیف، چالش‌های اصلی رشد اقتصادی ایران هستند؛ و دومی، با ترسیم درخت تصمیم‌گیری آسیب‌شناسی رشد اقتصادی برای ایران در شاخه «پایین بودن تأمین مالی» با پرسیدن پرسش‌های پی‌درپی، پیشنهاد می‌کند که تلاش برای دست‌یابی به «ساختار مالی متوازن» و «توسعه مالی متوازن» به انتقال از استراتژی بquamحور کنونی به استراتژی رشدمحور کمک کند.

ایران یکی از معدود کشورهای در حال توسعه دارای پتانسیل بالا برای رشد است که این رهیافت بر مبنای کلیت درخت تصمیم‌گیری HRV در آن، اجرا نشده است. به همین جهت، این مقاله تلاش دارد با استفاده از این رهیافت و با تمرکز بر تعداد ۷ عامل یا مانع رشد که به عنوان عوامل نهایی در درخت تصمیم‌گیری HRV مطرح شده‌اند، علل رشد اقتصادی پایین ایران را شناسایی کرده و بر مبنای آن، راه‌حلی برای رشد اقتصادی ارائه دهد.

جدول ۱: پیشینه پژوهش

پژوهشگران	سال	کشور	آسیب‌های شناسایی شده برای کشور مورد مطالعه
ایانچوویچینا و گوپتو ^۱	۲۰۰۷	مغولستان	محدود شدن سرمایه‌گذاری‌ها به معدن و ساخت‌وساز واسطه‌گری مالی ضعیف و هزینه بالای تأمین مالی هزینه بالای خدمات حمل و نقل رویه‌های تجاری طولانی و پر هزینه قوانین مالیاتی مخرب شکست‌های هماهنگی در سطوح داخلی و بین‌المللی
سانتا ماریا و سالازار ^۲	۲۰۰۷	پاناما	حمایت‌گرایی نادرست از تولید داخلی (به‌ویژه، تعرفه‌ها) قانون کار ناکارآ زیرساخت‌های توسعه‌نیافته در بخش‌های سنتی اقتصاد مناطق ویژه اقتصادی کوچک و ناکارآ
هاسمن و همکاران ^۳	۲۰۰۸	پرو	کمبود فعالیت‌های صادراتی کاربر شهری شکست‌های دولت در هماهنگی نرخ ارز حقیقی غیر رقابتی هزینه بالای نیروی کار در بخش قابل تجارت ضعف بانک‌های توسعه‌ای در تأمین سرمایه‌مخاطره‌پذیر
قیوم و همکاران ^۴	۲۰۰۸	پاکستان	نرخ بهره حقیقی پایین و یا منفی ضعف در نهادهای قانونی، آموزش و بازار کار محیط رقابتی ضعیف ناشی از یارانه‌ها و تعرفه‌های حمایتی حکمرانی ضعیف دولت
وینیس و روی ^۵	۲۰۱۰	برزیل	هزینه بالای تأمین مالی داخلی توسعه ناکافی زیرساخت‌های حمل و نقل نیاز به نیروی کار ماهر بیشتر
بیسیج و فونفزیگ ^۶	۲۰۱۲	گرجستان	حقوق مالکیت ضعیف بی‌ثباتی سیاسی
گراهام و همکاران ^۷	۲۰۱۲	لیبریا	انباشت ناکافی سرمایه انسانی و کمبود نیروی کار ماهر تأمین مالی اندک بنگاه‌های کوچک و متوسط نهادهای عمومی توسعه‌نیافته سیستم قضایی کژکارکرد
سهیتی ^۸	۲۰۱۹	کوزوو	ناکارآیی حاکمیت قانون و رقابت ناعادلانه بالا بودن هزینه سرمایه سرمایه انسانی ناکافی به دلیل معضلات سیستم آموزشی

منبع: ابوترابی و حاج‌امینی (۲۰۲۰)

1. Ianchovichina & Gooptu (2007)

2. Santa Maria & Salazar (2007)

3. Hausmann (2008)

4. Qayyum (2008)

5. Vinyes & Roe (2010)

6. Babych & Fuenfzig (2012)

7. Graham (2012)

8. Sahiti (2019)

۴- یافته‌ها: شواهدی از علت‌های نهایی «از رشد ماندگی» اقتصاد ایران

پیش از ورود به بحث آسیب‌شناسی رشد اقتصادی ایران، ارائه تصویری کلی از رشد اقتصادی ایران فایده‌مند خواهد بود.^۱ بر پایه رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه و قیمت‌های ثابت، میانگین رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۹۹ تنها ۱/۲۵ درصد بوده، در حالی که در همین دوره ۴۵ ساله، میانگین رشد تولید ناخالص جهانی ۲/۹۴ درصد بوده است. یعنی رشد اقتصادی ایران کمتر از نصف رشد اقتصادی جهان شده است و بنابراین، آن‌چه که در علم اقتصاد از آن به عنوان فاجعه رشد یاد می‌شود در ایران اتفاق افتاده است. البته در این دوره ۴۵ ساله فراز و نشیب‌هایی نیز وجود داشته است و در برخی از زیردوره‌ها رشد اقتصادی ایران شرایط نسبتاً بهتری در مقایسه با رشد اقتصاد جهان را تجربه کرده است، ولی میانگین رشد بلندمدت قابل قبول نبوده است (جدول ۲ را ببینید).

جدول ۲: میانگین نرخ‌های رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) حقیقی و سرانه آن در دوره‌های مختلف ایران و جهان (درصد)

دوره	میانگین رشد GDP حقیقی		میانگین رشد GDP حقیقی سرانه	
	ایران	جهان*	ایران	جهان*
۱۳۵۶-۵۹	-۱۲/۶	۳/۵	-۱۵/۹	۱/۸
دهه ۱۳۶۰	۲/۲	۳/۲	-۱/۱	۱/۴
دهه ۱۳۷۰	۳/۴	۳	۱/۷	۱/۵
دهه ۱۳۸۰	۵/۱	۳	۳/۶	۱/۷
دهه ۱۳۹۰	۰/۳	۲/۴	-۰/۹	۱/۲
۱۳۵۶-۹۹	۱/۲۵	۲/۹۴	-۰/۸	۱/۵

* بر اساس سال‌های میلادی (سال خورشیدی +۶۲۱) محاسبه شده است.

منبع: ایران: محاسبه شده بر اساس داده‌های GDP به قیمت پایه و ثابت از بانک مرکزی؛ جهان: محاسبه شده بر اساس داده‌های WDI.

^۱ در مورد رشد با نفت و رشد بدون نفت؛ از نظر نویسندگان این پژوهش، این یک خطای استدلالی در میان برخی اقتصاددانان ایرانی است که تمایزی میان رشد با نفت/بدون نفت قائل می‌شوند. رشد اقتصادی چه با خام‌فروشی منابع طبیعی و وارد کردن درآمدهای آن به اقتصاد، چه با عقیم‌سازی این درآمدهای منابع طبیعی، چه با ایجاد زنجیره‌های ارزش افزوده بر پایه منابع طبیعی و تولید کالاهای پیچیده‌تر، در هر حال رشد اقتصادی است. هر چند که ممکن است در مورد پایداری، ثبات و یا کیفیت این گونه رشدها مباحث زیادی باشد، اما در هر حال، درآمد سرانه هر کشوری متأثر از میزان برخورداری، نحوه بهره‌برداری و نیز شیوه استفاده از درآمدهای حاصل از منابع طبیعی است. رهیافت آسیب‌شناسی رشد نیز با همین استدلال، تفاوتی میان منبع‌های ایجادکننده رشد قائل نمی‌شود.

رشد اقتصاد ایران اگر به صورت سرانه در نظر گرفته شود شرایط ناگوارتر هم بوده؛ چرا که میانگین رشد GDP سرانه ایران به $0/8-$ درصد رسیده، که از میانگین رشد GDP سرانه جهانی (حدود $1/5$ درصد)، بسیار کمتر بوده است. در این خصوص شایان ذکر است که به‌جز دهه ۱۳۸۰ و دهه ۱۳۷۰، در بقیه دهه‌ها میانگین رشد GDP سرانه ایران منفی بوده است (جدول ۲ را ببینید).

می‌دانیم که تفاوت‌های اندک در نرخ‌های رشد در بلندمدت به شکاف‌های بسیار بزرگ منجر می‌شود. از این رو است که اختلاف بین میانگین رشد GDP سرانه ایران و جهان در بلندمدت، باعث شده که درآمد سرانه ایران که در آغاز دوره حدود $1/4$ برابر درآمد سرانه جهان بود، اکنون به کسری از درآمد سرانه جهان (حدود یک چهارم تا یک سوم)^۱ کاهش پیدا کند.

توجه به مسئله همگرایی در درآمد سرانه نیز اهمیت بالایی دارد. در طی حدود نیم قرن گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه، با تجربه میانگین رشد اقتصادی بالاتر از کشورهای صنعتی شده و توسعه یافته نسل اول، شکاف درآمدی خود با این کشورها را کاسته‌اند و از نظر درآمد سرانه، با این کشورها همگرا شده‌اند. ولی در ایران، میانگین رشد کم‌تر از میانگین رشد اقتصاد جهانی و کم‌تر از میانگین رشد اقتصاد کشورهای در حال توسعه، هم شکاف درآمدی کشور ما با کشورهای توسعه یافته را عمیق‌تر کرده و هم بین ایران و کشورهای در حال توسعه شکاف درآمدی روز افزونی ایجاد کرده است. با ادامه روند کنونی، شکاف درآمدی ایران با کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نه تنها کاهش نمی‌یابد، بلکه این شکاف گسترش خواهد یافت و پیامدهای نامطلوب آن از حوزه اقتصاد فراتر خواهد رفت و در حوزه‌های سیاسی و امنیت ملی چالش‌ها و مسائل جدی ایجاد خواهد کرد. روابط بین‌الملل امروزه به طور قابل توجهی متأثر از قدرت اقتصادی کشورها است. ملل ثروتمند و برخوردار از مواهب رشد و توسعه به‌طور طبیعی در عرصه روابط بین‌المللی جایگاه مهم‌تری کسب می‌کنند و ملل فقیرتر به حاشیه رانده می‌شوند.

پایین بودن رشد اقتصادی بلندمدت ایران، در عرصه داخلی نیز پیامدهای اقتصادی گسترده‌ای داشته و خواهد داشت. افزایش شدید بیکاری در اشکال مختلف مانند اشتغال نامطمئن، اشتغال کم‌درآمد، بیکاری پنهان، کم‌کاری و بهره‌وری بسیار پایین نیروی کار پیامد مستقیم پایین بودن رشد اقتصادی است. گسترش شدید فقر و تنزل طبقه متوسط به طبقه فقیر نیز مستقیماً حاصل پایین بودن رشد اقتصادی است. ضعف بلندمدت رشد اقتصادی در کنار ریخت‌وپاش‌های دولتی، به

۱. به دلیل چندگانگی نرخ ارز، آشفستگی قابل ملاحظه‌ای در ارقام دلاری GDP و GDP سرانه ایران وجود دارد. از این رو، این نسبت به صورت حدودی ذکر شده است.

ضعف شدید دولت در تأمین مالی درست از راه مالیات منطقی و کافی، منجر می‌شود و روآوری دولت به پولی کردن کسری بودجه را ناگزیر می‌سازد؛ که حاصل آن رشد نقدینگی و مزمین شدن تورم است. از طرف دیگر، تورم بالا و ماندگار خود عامل کاهش رشد اقتصادی است و این چرخه شوم تورم بالا - رشد اندک، که به نام رکود تورمی نیز خوانده می‌شود، همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد.

فقر و تورم، در کنار هم، بنیان‌های اجتماعی را نابود می‌کنند. افت شدید سرمایه اجتماعی، مهاجرت گسترده نیروی کار و سرمایه انسانی، تضعیف نظام انگیزشی به زیان تولید ملی و منافع ملی، کاهش اعتماد عمومی به نظام سیاسی و کاهش توان نظام سیاسی در عرضه کالاهای عمومی آموزش و بهداشت و امنیت پیامدهای بعدی خواهند بود. گسترش فقر، جمعیت روستایی را کاهش می‌دهد، ولی آن‌ها را به طبقه متوسط تولیدی و صنعتی مبدل نمی‌کند، بلکه موجب گسترش شدید حاشیه‌نشینی با رفتار مدنی ابتدایی، اشتغال کاذب و نامولد، اعتیاد و ناهنجاری‌های دیگر اخلاقی و اجتماعی می‌شود.

رشد اقتصادی اندک در بلندمدت توان خروج از دام درآمد سطح پایین، سرمایه‌داری عقب‌مانده و غیر دموکراتیک و اتکاء به تولید و صدور مواد اولیه و کالاهای با فناوری پایین را از اقتصاد سلب می‌کند. رشد اقتصادی اندک اگر شرایط روابط بین‌المللی کشور اجازه بدهد به افزایش استقراض بین‌المللی و بدهکار شدن کشور می‌انجامد؛ که خود یک تله جدید برای این اقتصاد ناکارآ است و می‌تواند بحران بدهی و ورشکستگی اقتصاد را به دنبال داشته باشد.

در ادامه، به پیروی از درخت تصمیم‌گیری HRV برای تبیین علل از رشد ماندگی اقتصاد ایران برخی آسیب‌های رشد اقتصادی ایران با استناد به شواهد تجربی^۱ به صورت زیر احصاء شدند.

۱. نویسندگان این پژوهش هیچ دوره مشخص و محدودی را از پیش تعیین نکرده‌اند، بلکه برای تحلیل علل از رشد ماندگی ایران، از تمام داده‌های در دسترس استفاده کرده‌اند. به همین دلیل مشاهده می‌شود که گاهی داده‌ای با دوره زمانی طولانی گزارش شده و گاهی داده‌ای با دوره زمانی کوتاه‌تر. دوم، رهیافت آسیب‌شناسی رشد مبتنی بر شناخت علل فعلی پایین بودن رشد اقتصادی است، و اتفاقاً بررسی یک سری زمانی طولانی نه مطلوب است (زیرا ممکن است علل رشد در دوره‌های اقتصادی مختلف یک کشور، متفاوت باشد) و نه مرسوم (در پژوهش‌های بین‌المللی بر پایه این رهیافت نیز دوره‌های طولانی بررسی نشده است).

۴-۱- جغرافیا و محیط زیست

جغرافیا و محیط زیست ایران با ویژگی‌هایی مانند آب‌وهوای گوناگون، موقعیت جغرافیایی مناسب (موقعیت استراتژیکی، موقعیت ژئوپلیتیکی، موقعیت ارتباطی، موقعیت اقلیمی، مجاورت با آبراهه‌های مهم بین‌المللی و ...)، وسعت زیاد (جزء ۲۰ کشور وسیع جهان، فضای وسیع، امکان برخورداری از معادن و منابع اقتصادی، امکان جذب جمعیت بیش‌تر و ...)؛ بنیادهای زیستی (آب، خاک، پوشش گیاهی، سایر منابع زیستی و غذایی)، منابع زیرزمینی خاص و کم‌یاب (منابع انرژی، منابع معدنی)، جمعیت (وضع کمی و کیفی، پراکندگی نیروی انسانی و ...) پتانسیل بسیار بالایی برای رشد اقتصادی ایجاد کرده است. این ویژگی‌ها دلیلی بر عدم محدودیت جغرافیا در رشد اقتصادی ایران است (حافظ‌نیا، ۲۰۱۰؛ کامران و همکاران، ۲۰۱۰؛ میر حیدر و همکاران، ۲۰۲۰). می‌توان گفت جغرافیا نمی‌تواند مانع رشد اقتصادی ایران باشد (دادگر و همکاران، ۲۰۲۰). در عین حال، آنچه مهم‌تر از جغرافیا برای استمرار رشد اقتصادی کشور است، کیفیت محیط زیست است؛ که وضعیت کاملاً متفاوت و رو به وخامتی دارد.

یک معیار بین‌المللی استاندارد برای تخریب محیط، شاخص ردپای اکولوژیک^۱ است؛ بدین صورت که ظرفیت طبیعت در پاسخ‌گویی به تقاضای انسانی را اندازه‌گیری می‌کند. اندازه این شاخص، سطح زمین و آب مولد زیستی مورد نیاز برای همه منابع مصرفی یک فرد، جمعیت و فعالیت است که بتوان زیرساختارهای شهری و جذب زباله‌ها را با استفاده از فناوری‌های غالب و شیوه‌های مدیریت منابع، تأمین کرد. شاخص ظرفیت بیولوژیک^۲ نیز نماینده کیفیت محیط زیست است؛ بدین‌گونه که ظرفیت بیوسفر مورد نیاز برای بازسازی و ارائه منابع طبیعی و خدمات برای زندگی را به صورت سرانه نشان می‌دهد. واحد اندازه‌گیری هر دو هکتار جهانی^۳ (GHA) سرانه بوده و هر ساله توسط شبکه ردپای جهانی^۴ برای کشورهای مختلف گزارش می‌شود. مابه‌التفاوت این دو شاخص، کسری یا مازاد ظرفیت بیولوژیک یک کشور را نشان می‌دهد (برای مطالعه بیشتر، ر. ک. واکرناگل و ریس^۵، ۱۹۹۸؛ براکی و همکاران^۶، ۲۰۱۲).

1. Ecological Footprint

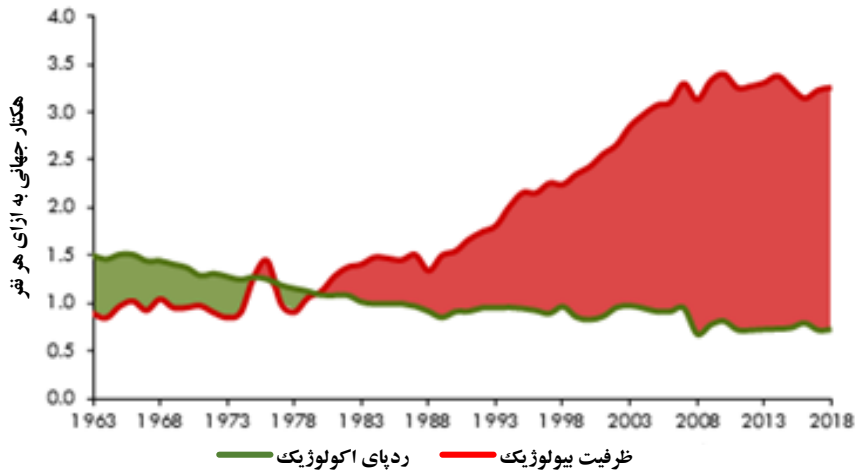
2. Biocapacity

3. GHA Per Capita

4. Global Footprint Network

5. Wackernagel & Rees (1998)

6. Borucke (2012)



منبع: شبکه‌ی ردپای جهانی (۲۰۲۲)، پکیج داده‌های عمومی ۱، ۱

نمودار ۱: ردپای اکولوژیک، ظرفیت بیولوژیک، و کسری/مازاد سرانه ایران

همان‌گونه که نمودار ۱ وضعیت محیط زیست ایران را نشان می‌دهد، تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) به استثناء یک سال که با وقفه کوتاهی پس از بروز شوک نفتی ۱۳۵۲-۱۳۵۳ (۱۹۷۳-۱۹۷۴) اتفاق افتاده است، همواره ظرفیت بیولوژیک ایران بالاتر از ردپای اکولوژیک بوده و مازاد ظرفیت زیستی داشته‌ایم. این شرایط حتی در دهه ۱۳۴۰ که اقتصاد ایران بالاترین نرخ‌های رشد خود را تجربه کرده، تداوم داشته است. در مقابل، پس از انقلاب، شرایط کیفیت محیط زیست ایران کاملاً معکوس شده است؛ بدین صورت که ردپای اکولوژیک روند صعودی پریشی را طی کرده و ظرفیت بیولوژیک به طور مستمر کاهش یافته است. در نتیجه، خالص ظرفیت بیولوژیک ایران از حالت مازاد به کسری تبدیل شده و کسری آن نیز تقریباً هر سال شدیدتر شده است؛ به گونه‌ای طبق آخرین آمار، در سال ۲۰۱۸، شاخص ردپای اکولوژیک ۳/۳، ظرفیت بیولوژیک ۰/۷ و کسری ظرفیت بیولوژیک به ۲/۵- رسیده است.

۴-۲- سرمایه انسانی

با پیروی از جدیدترین رهیافت در ادبیات اندازه‌گیری سرمایه انسانی (ر.ک. کسلی^۱، ۲۰۰۵)، جدول جهانی پن^۲ یک شاخص سرمایه انسانی را بر اساس میانگین سال‌های تحصیل از پرو و لی^۳

۱. Caselli (2005)

۲. Penn World Table

۳. Barro & Lee (2013)

(۲۰۱۳) و یک نرخ بازگشت فرض به آموزش بر پایه معادله مینسر^۱ (ر. ک. سچرپولوس^۲، ۱۹۹۴) به طور سالانه و برای همه کشورهای جهان برآورد می‌کند.

در روش اندازه‌گیری جدول جهانی پن، سرمایه انسانی متوسط سال‌های رفتن به مدرسه است. این شاخص که توسط برو و لی (۲۰۱۳) و بر پایه داده‌های پایگاه‌های یونسکو، یوروست^۳، آژانس‌های اطلاعاتی ملی و ... طراحی شده است، دستیابی به امکانات آموزشی را برای گروه‌های سنی مختلف (بالای ۱۵ سال) به تفکیک جنسیت و در گروه‌های سنی ۵ سال محاسبه می‌کند. بر اساس این روش که بر مبنای جدول طبقه‌بندی یونسکو است، هفت طبقه از افراد وجود دارد: بدون تحصیلات رسمی، دارای تحصیلات ناقص ابتدایی، دارای تحصیلات کامل ابتدایی و به همین ترتیب، تحصیلات پایین راهنمایی، تحصیلات بالای راهنمایی، تحصیلات ناقص دبیرستان و در آخر تحصیلات کامل دبیرستان. برای محاسبه این شاخص برای تمام گروه‌های سنی، سهم جمعیتی هر گروه سنی (a) از کل جمعیت (I_t^a) در سال‌های رفتن به مدرسه همان گروه سنی (S_t^a) ضرب شده و بر روی گروه‌های سنی جمع زده می‌شود و شاخص نهایی بر اساس این فرمول $S_t = \sum_{a=1}^A I_t^a S_t^a$ به دست می‌آید (برو و لی، ۲۰۱۳: ۱۸۸). پیش از این، برای محاسبه شاخص سرمایه انسانی از یک روش انباره دائمی استفاده می‌شد؛ که به دلیل عدم دقت^۴ مرتبط با نسبت‌های ثبت‌نام برآورد شده و سرشماری‌های سنجه‌ای^۵، دارای تورش^۶ بود. این در حالی است که در روش محاسبه جدید، خطای اندازه‌گیری توسط مشاهده‌های در فواصل زمانی ۵ ساله، کاهش یافته است. همچنین، برو و لی (۲۰۱۳: ۱۸۴-۱۸۵) در این روش جدید، یک برآورد جدید از نسبت‌های زاد و ولد و مرگ و میر بر اساس سن و تحصیلات و همچنین، یک برآورد جدید از نسبت‌های تکمیل توسط مشارکت آموزشی و توسط گروه سنی ساخته‌اند؛ که این برآوردها به ارتقاء دقت اندازه‌گیری کمک می‌کند.

چنان که در نمودار ۲ مشاهده می‌شود، کمیت سرمایه انسانی ایران همواره در حال افزایش بوده است. با این حال، این شاخص تنها کمیت سرمایه انسانی را اندازه‌گیری کرده و نمی‌تواند دلالت‌های کافی درباره کیفیت سرمایه انسانی یک کشور ارائه دهد.

1. Mincer Equation

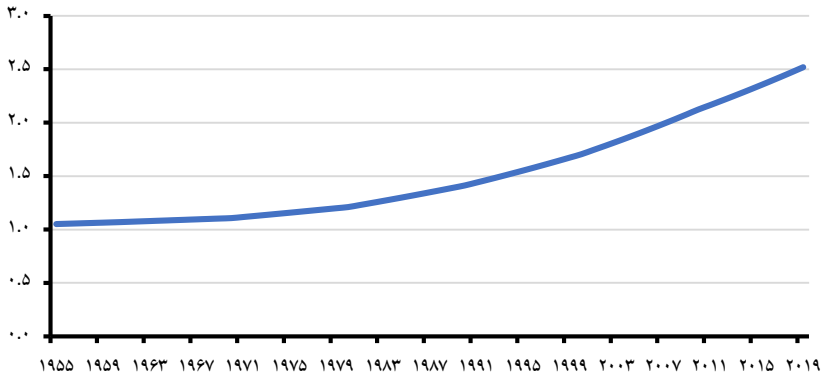
2. Psacharopoulos (1942)

3. Eurostat

4. Inaccuracy

5. Benchmark Censuses

6. Bias



منبع: جدول جهانی پن (۲۰۲۱)

نمودار ۲: شاخص سرمایه انسانی در ایران

در کنار ارزیابی انباشت سرمایه انسانی کشورها (بر پایه معیارهای تحصیل و آموزش)، باید توجه داشت که در چند دهه اخیر مهاجرت از کشورهای در حال توسعه، خصوصاً ایران، به یک مسئله نگران‌کننده تبدیل شده است. بسیاری از دولت‌های کشورهای مهاجرفرست نگرانی‌های عمده‌ای در رابطه با مهاجرت سرمایه‌های انسانی خود (که با صرف هزینه‌های هنگفت حاصل شده‌اند) دارند. این نگرانی به این جهت است که مهاجرت (به معنای خروج نیروی کار) موجب محدود شدن یکی از مهم‌ترین عوامل تولید (یعنی سرمایه انسانی) می‌شود؛ که تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی دارد.

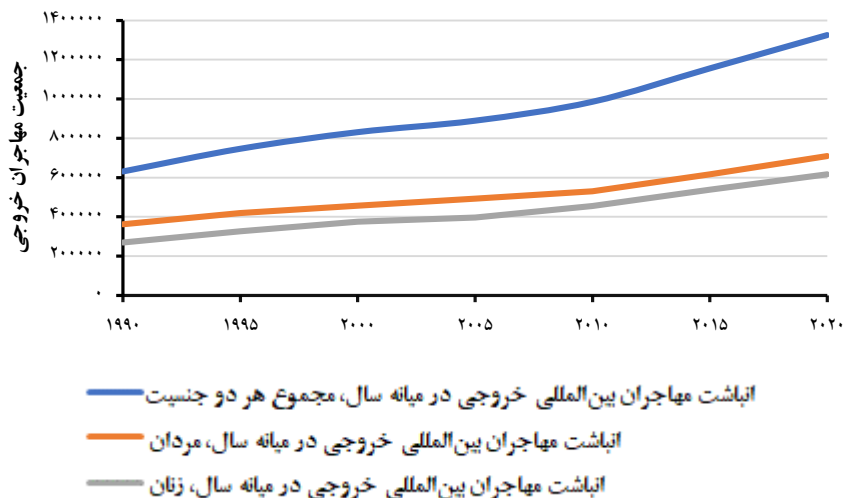
دسته مهمی از الگوهای رشد درون‌زا بر نقش سرمایه انسانی در رشد اقتصادی متمرکز شده‌اند؛ در عین حال، مهاجرت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده خالص انباشت سرمایه انسانی (برآیند ورودی و خروجی نیروی کار) در کشورهایی همچون ایران است. خارج شدن افراد متخصص از کشور مبدأ باعث کاهش انباشت سرمایه انسانی شده و در نتیجه، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد. در مقابل، ورود مهاجران (با فرض برخورداری از کیفیت و مهارت کافی و متناسب با نیازهای کشورهای مقصد) باعث افزایش انباشت سرمایه انسانی شده و رشد اقتصادی آن کشور را تقویت می‌کند (برای مطالعه بیشتر، ر. ک. باگواتی و هامادا^۱، ۱۹۷۴؛ میاگیوا^۲، ۱۹۹۱؛ وانگ و ویپ^۳، ۱۹۹۹؛ چلبی و عباسی، ۲۰۰۴؛ شریفی و التجائی، ۲۰۱۷).

1. Bhagwati & Hamada (1974)

2. Miyagiwa (1991)

3. Wong & Yip (1999)

نمودار ۳ نشان می‌دهد که در طی ۳۰ سال گذشته، انباشت مهاجران بین‌المللی خروجی از ایران همواره صعودی بوده و شیب آن در ده سال اخیر، بیش‌تر نیز شده است. در این میان، سهم مهاجران زن از ایران به طور ملایم رو به افزایش است.



منبع: دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد، اداره جمعیت^۱ (۲۰۲۰)

نمودار ۳: انباشت مهاجران بین‌المللی خروجی از ایران؛ کل، مردان، و زنان

با هدف ترسیم کیفیت سرمایه انسانی در ایران، از «ستون آموزش عالی و مهارت‌آموزی»^۲ شاخص جهانی رقابت‌پذیری (۲۰۲۰) استفاده شده است؛ که وضعیت کلی این ستون و برخی از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده آن در ایران در جدول ۳ قابل مشاهده است.^۳ وضعیت کلی این ستون در

1. United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division

2. Higher Education and Training

۳. در این جا مناسب است مفهوم رقابت‌پذیری ملی را از دید مجمع جهانی اقتصاد (تنظیم‌کننده و ناشر گزارش جهانی رقابت‌پذیری) توضیح دهیم: «رقابت‌پذیری ملی به عنوان مجموعه‌ای از نهادها، سیاست‌ها و عواملی که سطح بهره‌وری را تعیین می‌کنند، تعریف می‌شود» (مجمع جهانی اقتصاد، گزارش جهانی رقابت‌پذیری، ۲۰۲۰: ix).

شاخص جهانی رقابت‌پذیری عواملی را که زیربنای فرآیند رشد اقتصادی و توسعه انسانی هستند، شناسایی و ارزیابی می‌کند. ضرورت پرداختن به آثار سرریز و آثار پیامدهای بیرونی (مثبت یا منفی، خواسته یا ناخواسته) یک سیاست یا استراتژی را فراتر از هدف مستقیمی که دنبال می‌کند، برجسته می‌کند. شاخص جهانی رقابت‌پذیری استفاده از تفکر سیستمی را تشویق می‌کند، رویکردی که رهبران باید برای درک و رسیدگی به چالش‌های جهانی پیچیده امروز اتخاذ کنند. با در نظر گرفتن اقتصاد به عنوان یکی از بخش‌های متقابل و وابسته به هم که به یک سیستم گسترده تعلق دارند،

به‌طور ملایمی رو به بهبود بوده است، با این حال «کیفیت سیستم آموزشی»^۱ نوسان‌های شدیدی را تجربه کرده است. «کیفیت آموزش ریاضی و علوم»^۲ در ایران نسبت به سایر شاخص‌های این ستون، وضعیت بهتری در ایران دارد، اما در سال‌های اخیر رو به تنزل بوده است. ایران در دو زمینه «دسترسی به اینترنت در مدارس»^۳ و «توسعه آموزش کارکنان»^۴، به‌سختی توانسته است خود را به ۱۰۰ کشور برتر دنیا نزدیک کند. به‌علاوه، «کیفیت مدارس مدیریت»^۵ در ایران وضعیت مناسبی در مقایسه با سایر کشورها نداشته و روند آن نیز رو به وخامت است (دقت شود روند نزولی رتبه‌ها به معنای بهتر شدن وضعیت نسبی کشور در مقایسه با سایر کشورهای جهان است، و برعکس). به نظر می‌رسد، چالش‌های اصلی اقتصاد ایران در حوزه سرمایه‌انسانی عمدتاً مربوط به سه مورد اخیر باشد.

جدول ۳: وضعیت کلی و منتخبی از شاخص‌های آموزش عالی و مهارت‌آموزی در ایران

میانگین نرخ رشد	میانگین	۲۰۱۷	۲۰۱۱		
۰/۰۳۴	۴/۲۴۲	۴/۷۰۷	۳/۸۵۸	مقدار	وضعیت کلی ستون آموزش عالی و مهارت‌آموزی
-۰/۰۸۴	۷۳	۵۱	۸۹	رتبه	
۰/۰۱۰	۳/۱۷۷	۳/۲۶۵	۳/۰۸۲	مقدار	کیفیت سیستم آموزشی
-۰/۰۱۹	۱۰۱	۹۴	۱۰۸	رتبه	
-۰/۰۰۱	۴/۵۷۵	۴/۵۲۹	۴/۵۸۱	مقدار	کیفیت آموزش ریاضی و علوم
۰/۰۶۵	۴۰	۴۷	۳۵	رتبه	
۰/۰۰۶	۳/۸۳۴	۳/۸۹۰	۳/۷۴۰	مقدار	کیفیت مدارس مدیریت
-۰/۰۰۱	۹۴	۹۲	۹۴	رتبه	
۰/۰۴۰	۳/۰۷۸	۳/۶۶۴	۲/۹۴۲	مقدار	دسترسی به اینترنت در مدارس
-۰/۰۳۵	۱۱۶	۹۳	۱۱۸	رتبه	
۰/۰۳۳	۳/۱۶۸	۳/۵۸۸	۲/۹۴۳	مقدار	توسعه آموزش کارکنان
-۰/۰۴۶	۱۲۷	۹۸	۱۳۳	رتبه	

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد^۶ (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری

سیاست‌گذاران فرصتی برای توسعه راه‌حل‌ها و استراتژی‌های کل‌نگر دارند (مجمع جهانی اقتصاد، گزارش جهانی رقابت‌پذیری، ۲۰۱۹: ۸).

1. Quality of the Education System

2. Quality of Math and Science Education

3. Internet Access in Schools

4. Extent of Staff Training

5. Quality of Management Schools

این شاخص بر اساس میانگین وزنی کیفیت مراکز آموزش بازرگانی (Business) محاسبه می‌شود (گزارش جهانی رقابت‌پذیری، ۲۰۱۵: ۵۴۱).

6. World Economic Forum

۴-۳- زیرساختارها

جدول ۴ وضعیت کلی زیرساختارها و برخی از مهم‌ترین زیرساختارهای فیزیکی در ایران را مستند به شاخص جهانی رقابت‌پذیری (۲۰۲۰) نشان می‌دهد. چنان‌که پیداست، هر چند وضعیت کلی این ستون در ایران روند رو به رشدی داشته است، اما «کیفیت سراسری زیرساختارها»^۱ پرنوسان بوده است. به طور جزئی‌تر، زیرساختارهای مرتبط با راه‌آهن^۲، بنادر^۳، حمل‌ونقل هوایی^۴، تلفن همراه^۵ و تلفن ثابت^۶ در حال بهبود بوده‌اند، اما چالش اصلی اقتصاد ایران، در درجه اول، مربوط به زیرساختارهای «کیفیت جاده‌ها»^۷ و «کیفیت عرضه برق»^۸ است که با افت جدی مواجه شده‌اند؛ و در درجه دوم، زیرساختارهای «کیفیت بنادر» و «کیفیت حمل‌ونقل هوایی» به استثناء «زیرساختار تلفن ثابت»، ایران توانسته است در سایر موارد جزو ۳۰ کشور برتر دنیا قرار گیرد.

جدول ۴: وضعیت کلی و منتخبی از زیرساختارها در ایران

میانگین نرخ رشد	میانگین	۲۰۱۷	۲۰۱۱	مقدار	وضعیت کلی ستون زیرساختارها
۰/۰۱۶	۴/۱۴۷	۴/۳۵۳	۳/۹۵۷	۶۷	رتبه
-۰/۰۲۵	۶۴	۵۷	۶۷	۳/۹۷۴	مقدار
۰/۰۰۰۲	۴/۰۲۴	۳/۹۶۳	۳/۹۷۴	۷۵	رتبه
۰/۰۰۱	۷۷	۷۵	۷۵	۳/۷۰۹	مقدار
-۰/۰۱۴	۳/۹۷۷	۴/۰۴۶	۳/۷۰۹	۷۴	رتبه
-۰/۰۰۴	۶۸	۷۱	۷۴	۳/۱۵۰	مقدار
۰/۰۲۸	۳/۳۷۸	۳/۷۰۶	۳/۱۵۰	۵۳	رتبه
-۰/۰۳۷	۴۶	۴۲	۵۳	۳/۸۵۶	مقدار
۰/۰۰۷	۳/۹۴۹	۴/۰۳۲	۳/۸۵۶	۸۴	رتبه
-۰/۰۲۶	۸۰	۷۱	۸۴	۲/۹۲۰	مقدار
۰/۰۴۲	۳/۲۶۶	۳/۷۳۲	۲/۹۲۰	۱۳۷	رتبه
-۰/۰۴۳	۱۲۱	۱۰۵	۱۳۷	۴/۷۲۸	مقدار
۰/۰۰۹	۵/۰۵۰	۴/۹۷۶	۴/۷۲۸	۷۲	رتبه
-۰/۰۰۳	۶۲	۶۷	۷۲	۹۱/۲۴۸	مقدار
۰/۰۲۰	۸۶/۹۴۱	۱۰۰/۰۷۴	۹۱/۲۴۸	۸۵	رتبه
۰/۰۳۳	۱۰۶	۹۹	۸۵	۳۶/۲۹۵	مقدار
۰/۰۰۹	۳۷/۹۰۶	۳۸/۳۰۲	۳۶/۲۹۵	۳۱	رتبه
-۰/۰۵۱	۲۶	۲۲	۳۱		

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری

1. Quality of Overall Infrastructure
2. Quality of Railroad Infrastructure
3. Quality of Port Infrastructure
4. Quality of Air Transport Infrastructure
5. Mobile Telephone Subscriptions
6. Fixed Telephone Lines
7. Quality of Roads
8. Quality of Electricity Supply

۴-۴- ریسک‌های خرد

به منظور بررسی وضعیت ریسک‌های خرد در ایران، برخی از مؤلفه‌های مرتبط با آن در زیرمجموعه «ستون نهادی» شاخص جهانی رقابت‌پذیری در جدول ۵ ترسیم شده‌اند. به طور عمومی، وضعیت اقتصاد ایران در تمامی این مؤلفه‌ها نامطلوب بوده و به استثناء چند مورد، در اکثر موارد رو به وخامت است:

- در حالی که «حقوق مالکیت^۱» روندی رو به تضعیف را نشان می‌دهد، «حقوق مالکیت معنوی^۲» به کندی رو به بهبود است؛ با این حال، در این مؤلفه نیز ایران نتوانسته است جایگاهی در بین ۱۰۰ کشور برتر دنیا داشته باشد.

- «پرداخت‌های خارج از قاعده و رشوه^۳» در سال‌های اخیر تشدید شده و رتبه ایران بدتر شده است.

- شاخص «کارآیی دولت^۴» وضعیت مطلوبی نداشته، اما از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ (۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶) اندکی بهبود یافته است.

- «بار مقررات‌زایی دولت^۵» همواره شدید بوده و روند کلی آن نیز صعودی است؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۸، ایران در رتبه‌ای بدتر از ۱۰۰ قرار گرفته است.

- «حمایت از منافع سهام‌داران خرد^۶» در ایران، وضعیت خوبی نداشته و در سال‌های اخیر بدتر نیز شده است. به علاوه، در شاخص «توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران^۷» و «شفافیت سیاست‌گذاری دولت^۸»، ایران هرگز نتوانسته است در زمره ۱۰۰ کشور برتر دنیا قرار گیرد.

1. Property Rights

2. Intellectual Property Rights

3. Irregular Payments and Bribes

4. Government Efficiency

5. Burden of Government Regulation

6. Protection of Minority Shareholders Interests

7. Strength of Investor Protection

8. Transparency of Government Policymaking

جدول ۵: منتخبی از ریسک‌های خرد در ایران

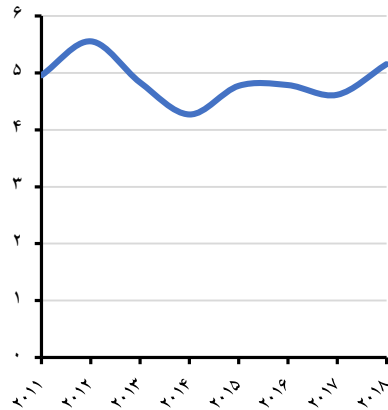
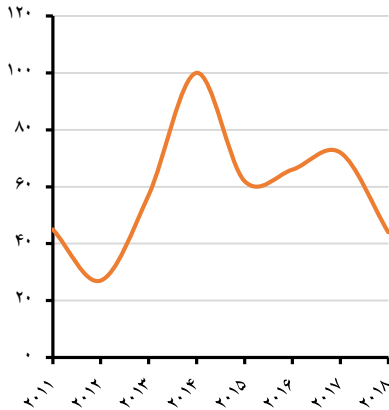
میانگین نرخ رشد	میانگین	۲۰۱۷	۲۰۱۱	مقدار	رتبه	حقوق مالکیت
-۰/۰۱۹	۴/۱۱۱	۳/۸۴۶	۴/۳۷۸	مقدار	رتبه	حقوق مالکیت معنوی
۰/۰۹۴	۸۰	۱۰۰	۶۱	مقدار	رتبه	
۰/۰۴۹	۲/۸۶۱	۳/۴۵۳	۲/۶۱۶	مقدار	رتبه	پرداخت‌های خارج از قاعده و رشوه
-۰/۰۰۶	۱۱۸	۱۰۷	۱۱۴	مقدار	رتبه	
-۰/۰۱۶	۳/۷۱۹	۳/۵۷۳	۳/۹۸۵	مقدار	رتبه	بار مقررات‌زایی دولت
۰/۰۵۱	۸۱	۸۳	۶۵	مقدار	رتبه	
۰/۰۲۰	۲/۹۳۲	۳/۲۶۷	۲/۹۰۵	مقدار	رتبه	کارآیی دولت
-۰/۰۲۱	۱۰۸	۸۳	۹۹	مقدار	رتبه	
۰/۰۰۰۳	۳/۱۵۲	۳/۱۴۵	۳/۱۶۱	مقدار	رتبه	شفافیت سیاست‌گذاری دولت
-۰/۰۳۵	۱۰۱	۷۵	۹۹	مقدار	رتبه	
۰/۰۰۰۹	۳/۴۵۹	۳/۵۳۱	۳/۵۲۷	مقدار	رتبه	حمایت از منافع سهام‌داران خرد
-۰/۰۲۷	۱۲۱	۱۰۵	۱۲۵	مقدار	رتبه	
-۰/۰۱۰	۳/۶۹۳	۳/۵۸۱	۳/۸۸۵	مقدار	رتبه	توانایی حمایت از سرمایه‌گذاران
۰/۰۳۳	۱۰۴	۱۱۰	۹۸	مقدار	رتبه	
۰/۰۳۲	۳/۵۸۵	۳/۵	۳	مقدار	رتبه	
-۰/۰۰۵	۱۲۴	۱۲۶	۱۳۱	مقدار	رتبه	

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری

۴-۵- ریسک‌های کلان

وضعیت کلی شاخص‌های ریسک‌های کلان از «ستون محیط اقتصاد کلان» شاخص جهانی رقابت‌پذیری (۲۰۲۰) احصاء شده است. در چارچوب شاخص جهانی رقابت‌پذیری، کیفیت محیط اقتصاد کلان کشور به صورت برآیندی از ۵ شاخص «توازن بودجه دولت^۱»، «پس‌انداز ناخالص ملی^۲»، «تورم^۳»، «بدهی دولت^۴»، و «رتبه اعتباری کشور^۵» گزارش می‌شود. البته با پیروی از درخت تصمیم‌گیری HRV، وضعیت پس‌انداز ناخالص ملی ایران را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی شاخه مالی این درخت، در بخش مخصوص خود بررسی خواهیم کرد.

1. Government Budget Balance
 2. Gross National Savings
 3. Inflation
 4. Government Debt
 5. Country Credit Rating



نمودار ۴-آ: وضعیت محیط اقتصاد کلان در ایران: مقدار نمودار ۴-ب: وضعیت محیط اقتصاد کلان در ایران: رتبه

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری
نمودار ۴: وضعیت کلی محیط اقتصاد کلان در ایران

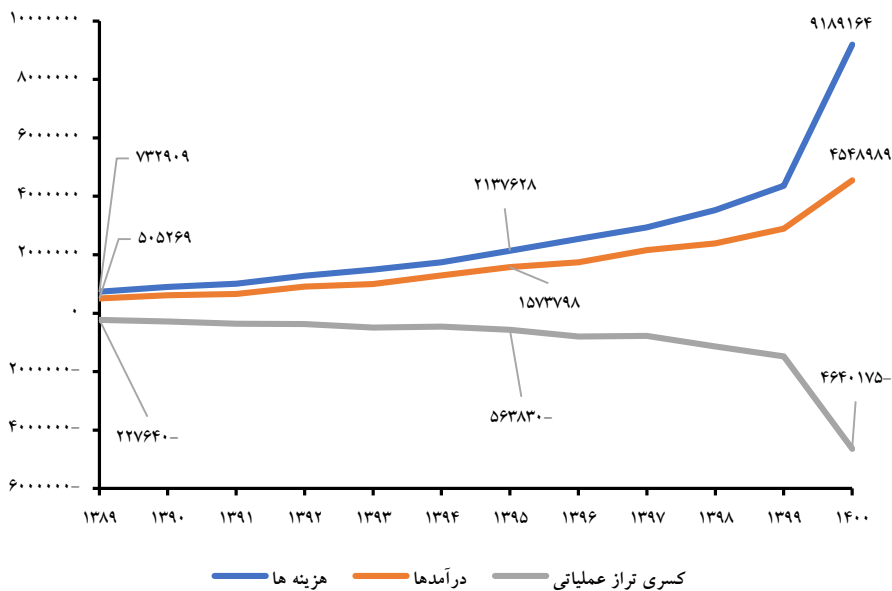
چنان‌که نمودارهای ۴ نشان می‌دهد، رتبه وضعیت محیط اقتصاد کلان ایران بسیار پرنوسان بوده است.^۱ این به معنی بی‌ثباتی شدید اقتصاد کلان ایران و در نتیجه، پریسک بودن اقتصاد ایران در سطح کلان است. بدیهی است، این وضعیت یکی از مهم‌ترین دلایل پایین بودن سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در ایران بوده و از علل اصلی از رشدماندگی اقتصاد کشور است.

با هدف ترسیم دقیق‌تر وضعیت مالی دولت، بهتر است به جای توازن (کسری/مازاد) بودجه دولت، «کسری تراز عملیاتی» بررسی و تحلیل شود. تراز عملیاتی معیاری از ثبات امور مالی جاری دولت است و از تفاضل پرداخت‌های هزینه‌ای (جاری) از درآمدهای دولت^۲ به‌دست می‌آید. در واقع این تراز، میزان پوشش هزینه‌های جاری دولت توسط درآمدهای عمومی را نشان می‌دهد. با توجه به نمودار ۵، همواره هزینه‌های دولت بیش‌تر از درآمدها بوده و در نتیجه، تراز عملیاتی دولت در سال‌های اخیر همواره منفی بوده است. به علاوه، کسری تراز عملیاتی در سال ۱۴۰۰ نسبت به

۱. در مجموعه داده‌های شاخص جهانی رقابت‌پذیری سال ۲۰۲۰ داده‌های ۱۵۲ کشور جهان گزارش شده و در هر یک از شاخص‌ها رتبه‌بندی شده‌اند. بنابراین با توجه به تعداد زیاد این کشورها، عملاً رتبه هر کشور بیش‌تر از آن‌که متأثر از عملکرد سایر کشورها باشد، به عملکرد خود آن کشور بستگی دارد.

۲. بر خلاف ساختار «آمارهای بین‌المللی مالی دولت» در سال ۱۹۸۶، بر اساس ساختار جدید، درآمدهای دولت شامل درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدها است. در واقع، در ساختار جدید، درآمد حاصل از فروش نفت تحت یک طبقه‌بندی مستقل و ذیل سرفصل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای قرار می‌گیرد.

سال‌های قبل به صورت محسوسی افزایش یافته است؛ به طوری که نسبت کسری تراز عملیاتی به درآمدها یا هزینه‌ها در سال ۱۴۰۰ رشد قابل ملاحظه‌ای داشته، از ۳۳/۷۷ درصد در سال ۱۳۹۹ به ۵۰/۵۰ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است. این تحلیل‌ها نشان می‌دهد نه تنها سیستم بودجه‌ریزی کشور نتوانسته است کسری تراز عملیاتی طی سال‌های اخیر را برطرف کند، بلکه در بودجه سال ۱۴۰۰ وضعیت بحرانی تری یافته است (منتظری شورکچالی، ۲۰۲۲).



ارقام بر حسب میلیارد ریال است.

منبع: قوانین بودجه کل کشور در سال‌های مختلف؛ برگرفته از منتظری (۲۰۲۲)

نمودار ۵: روند درآمدهای دولت، پرداخت‌های هزینه‌ای و کسری تراز عملیاتی در ایران

مؤلفه حائز اهمیت دیگر در ایجاد بی‌ثباتی اقتصادی کلان ایران استفاده نامتعارف دولت از ابزار بدهی جهت تأمین کسری بودجه است، که این مسأله مستقیماً بر توانایی دولت در مقابله با بحران‌ها و یا اتخاذ سیاست خاص اثر منفی می‌گذارد. بر اساس جدول ۶، بدهی کل بخش دولتی (مجموع بدهی دولت و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی) در سال‌های مورد بررسی، ۳۷ تا ۴۶ درصد تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور بوده است (منتظری شورکچالی، ۲۰۲۲).

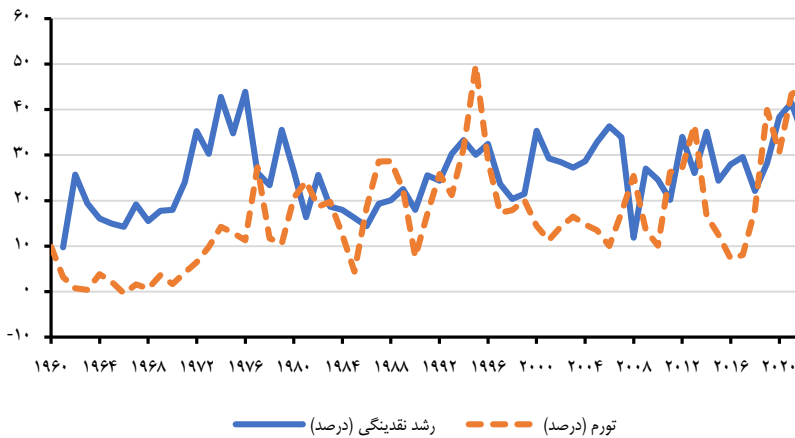
جدول ۶: بدهی بخش دولتی در اقتصاد ایران

۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۵	۱۳۹۴	
۴۴۲/۲	۳۱۶/۲	۲۷۱/۲	۲۰۵/۸	بدهی دولت
۲۹۳/۷	۲۳۰/۶	۳۱۶	۲۴۲/۳	بدهی شرکت‌ها و مؤسسات دولتی
۷۳۵/۹	۵۴۶/۸	۵۸۷/۲	۴۴۸/۱	بدهی دولت و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی
۱۸۶/۹	۱۴۸۰/۷	۱۲۷۲/۲	۱۱۱۲/۹	تولید ناخالص داخلی
۳۹/۵	۳۶/۹	۴۶/۱	۴۰/۳	بدهی بخش دولتی به صورت درصدی از GDP

ارقام به هزار میلیارد تومان هستند.

منبع: مرکز مدیریت بدهی‌ها و دارایی‌های مالی عمومی - وزارت امور اقتصادی و دارایی؛ برگرفته از منطری (۲۰۲۲)

در نهایت، تورم (به عنوان پرکاربردترین معیار بی‌ثباتی اقتصاد کلان یک کشور) همراه با نرخ رشد نقدینگی (به عنوان مهم‌ترین تعیین‌کننده تورم در ادبیات علم اقتصاد) در نمودار ۶ برای اقتصاد ایران رسم شده است. همان‌گونه که در این نمودار پیدا است، در دوره ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۳ نرخ تورم در ایران زیر ۱۰ درصد و در دوره‌ای ۷ ساله حتی زیر ۴ درصد بوده است. این دوره با رشد اقتصادی بالا در ایران مقارن بود، ولی در همین دوران رشد نقدینگی کم و بیش متناسب با رشد اقتصادی، پیرامون ۲۰ درصد در نوسان بوده است. در دوره نفتی دهه ۱۹۷۰ تورم و رشد نقدینگی، هر دو نرخ‌های بالاتری نسبت به دهه قبلی را تجربه کردند. به هر حال، افزایش شدید قیمت نفت و تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد، موجبات رشد پایه پولی و نقدینگی و تورم بیشتر را فراهم آورد.



منبع: بانک جهانی (۲۰۲۳)، بانک مرکزی و مرکز آمار ایران

نمودار ۶: نرخ‌های تورم و رشد نقدینگی در ایران

در دهه ۱۹۸۰ و نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ در نتیجه پیامدهای اقتصادی پس از انقلاب و جنگ، تورم بسیار پرنوسان و عمدتاً دو رقمی بود. در سال ۱۹۹۵ در نتیجه یکسان‌سازی نرخ ارز و سیاست‌های [به اصطلاح] تعدیل، تورم به مرز ۵۰ درصد نیز رسید. متوسط رشد نقدینگی در این دوره به حدود ۲۵ درصد رسید. دوره ده‌ساله ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ دوره‌ای نسبتاً آرام‌تر برای تورم، ولی با رشد نقدینگی بالاتر (و نیز رشد اقتصادی کمی بالاتر نسبت به دوره‌های قبل و بعد) بود (التجانی، ۲۰۲۰). دوره تورمی ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۲ هم‌زمان با دوران تنش‌های سیاسی و تحریم‌های بین‌المللی برای کشورمان بود. اگرچه در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ در نتیجه امضای برجام و کاهش نسبی تنش‌ها، تورم زیر ۱۰ درصد مشاهده شد ولی دوباره پس از نقض یک‌جانبه برجام توسط آمریکا، تورم و رشد نقدینگی بالا به اقتصاد ایران بازگشت.

در کل، همان‌گونه که بحث شد، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و اجزای آن، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران جهت ارتقاء رشد اقتصادی و تسریع هم‌گرایی بوده و هست.

۴-۶- پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی

در درخت تصمیم‌گیری HRV، شکست‌های بازار عمدتاً در پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی جای می‌گیرند. این پیامدهای بیرونی باعث می‌شوند بازار (فرضاً آزاد) نتواند به حداکثر کارایی خود برسد. به همین جهت، در این پژوهش، به منظور ترسیم شکست‌های بازار در اقتصاد ایران، منتخبی از مؤلفه‌های زیرمجموعه کارایی بازار کالا و بازار کار که نشان‌دهنده شدت پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی در این بازارها هستند، بررسی می‌شوند (جدول‌های ۷ و ۸). در جدول ۷ مشاهده می‌شود که «شدت رقابت در بازار داخلی»^۱ ایران وضعیت خوبی نداشته و در سال‌های اخیر، رتبه ایران بدتر نیز شده است. رتبه ایران به لحاظ «گستره تسلط بازار»^۲ وضعیت بهتری داشته، اما در سال‌های اخیر بدتر شده است.

«بار رویه‌های گمرکی»^۳، «تعرفه‌های تجاری»^۴ و «رواج موانع غیر تعرفه‌ای»^۵ در ایران وضعیت بسیار نامطلوبی داشته؛ به گونه‌ای که اقتصاد ایران به‌ندرت توانسته است در زمره ۱۰۰ کشور برتر دنیا قرار

1. Intensity of Local Competition

2. Extent of Market Dominance

3. Burden of Customs Procedures

4. Trade Tariffs

5. Prevalence of Trade Barriers

گیرد. البته در سال‌های اخیر، رتبه ایران در این سه شاخص مبادله‌های بین‌المللی بهبود ناچیزی داشته‌اند.

در مجموع، تمامی موارد بالا از علل کلیدی شکست بازار کالا در ایران و در نتیجه، ناتوانی مکانیسم بازار در تشویق و تقویت رشد اقتصادی هستند.

جدول ۷: منتخبی از شاخص‌های پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی بازار کالا در ایران

میانگین نرخ رشد	میانگین	۲۰۱۷	۲۰۱۱	مقدار	رتبه
۰/۰۰۱	۴/۲۹۸	۴/۲۷۵	۴/۲۴۳	مقدار	شدت رقابت در بازار داخلی
۰/۰۲۹	۱۱۸	۱۲۵	۱۰۶	رتبه	
-۰/۰۰۲	۳/۷۹۳	۳/۸۷۲	۳/۹۴۰	مقدار	گستره تسلط بازار
۰/۰۴۱	۶۳	۵۶	۴۹	رتبه	
۰/۰۰۴	۳/۴۴۷	۳/۵۹۰	۳/۵۰۴	مقدار	باز رویه‌های گمرکی
-۰/۰۰۵	۱۰۷	۹۹	۱۰۴	رتبه	
۰/۰۴۰	۲۶/۷۵۸	۲۹/۴۹۵	۲۳/۲۹۵	مقدار	تعرفه‌های تجاری
-۰/۰۰۳	۱۴۱	۱۳۷	۱۴۰	رتبه	
۲۹	۳/۷۷۵	۴/۰۰۳	۳/۳۸۲	مقدار	رواج موانع غیرتعرفه‌ای
-۰/۰۴۵	۱۱۹	۹۹	۱۳۵	رتبه	

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری

بر اساس جدول ۸، بازار کار ایران در «ظرفیت کشور در نگهداشت استعدادها» و نیز «ظرفیت کشور در جذب استعدادها» وضعیت مطلوبی نداشته و هرگز نتوانسته در جمع ۱۰۰ کشور برتر دنیا قرار گیرد. این وضعیت مؤید بسیار بالا بودن «خالص فرار مغزها» از کشور است؛ بدین معنا که ایران نه تنها نتوانسته نخبگان سایر کشورها را جذب کند، بلکه در نگهداشت ظرفیت‌های استعدادی خود نیز بسیار ناتوان بوده است. وضعیت رتبه ایران در شاخص «اثر مالیات‌ستانی بر انگیزه کار^۱» اندکی بهتر، اما همچنان نامطلوب است.

در مجموع، این عوامل منجر به پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی در بازار کار ایران شده و رشد اقتصادی کشور را از این جهت، پایین نگه داشته است.

1. Country Capacity to Retain Talent

2. Country Capacity to Attract Talent

3. Effect of Taxation on Incentives to Work

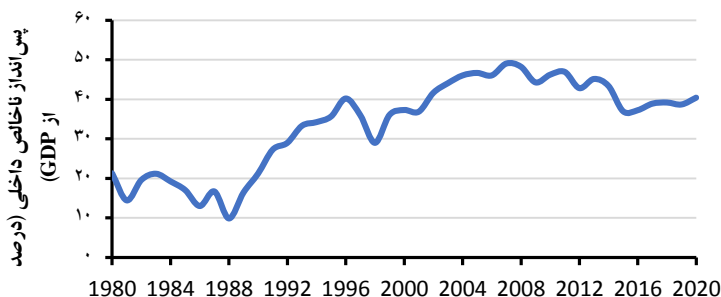
جدول ۸: منتخبی از شاخص‌های پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی بازار کار در ایران

میانگین نرخ رشد	میانگین	۲۰۱۷	۲۰۱۴	مقدار	اثر مالیات‌ستانی بر انگیزه کار
۲/۰۳۸	۳/۶۳۴	۳/۷۴۵	۳/۵۲۹	رتبه	
-۱/۲۱۳	۸۰	۷۹	۸۲	مقدار	ظرفیت کشور در نگهداشت استعدادها
۱۳/۵۸۴	۲/۰۳۷	۲/۵۸۵	۱/۸۰۳	رتبه	
-۹/۰۴۵	۱۳۲	۱۰۸	۱۴۵	مقدار	ظرفیت کشور در جذب استعدادها
۷/۹۰۴	۲/۵۹۴	۲/۹۳۰	۲/۳۳۷	رتبه	
-۷/۲۷۶	۱۲۰	۱۰۴	۱۳۱		

منبع: یافته‌های پژوهش بر اساس داده‌های مجمع جهانی اقتصاد (۲۰۲۰)، شاخص جهانی رقابت‌پذیری

۴-۷- پس‌انداز ملی

پس‌انداز ملی ایران روندی صعودی داشته و در دو دهه اخیر تقریباً همواره بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بوده است (نمودار ۷). بنابراین، این مؤلفه از درخت تصمیم‌گیری HRV نمی‌تواند به عنوان یکی از موانع اصلی پیش‌روی رشد اقتصادی ایران قلمداد شود. با این حال، نکته کلیدی که باید به آن توجه شود (و در زیربخش بعدی بیش‌تر نیز توضیح داده خواهد شد) آن است که کارآیی سیستم مالی ایران بسیار پایین است. بین سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶ کارآیی بازار سهام ایران عمدتاً بین ۱۰ تا ۲۰ درصد بوده است^۱. این سیستم مالی ناکارآ، عملاً نتوانسته است این پس‌اندازها را بهینه تخصیص دهد تا به انباشت سرمایه در حد مطلوب بیانجامد.



منبع: بانک جهانی^۲ (۲۰۲۳)، شاخص‌های جهانی توسعه

نمودار ۷: پس‌انداز ملی در ایران

^۱. بر اساس آمارهای پایگاه جهانی داده‌های توسعه مالی

۴-۸- واسطه‌گری مالی

درخت تصمیم‌گیری هاسمن، رودریک و ولاسکو (۲۰۰۵) معروف به HRV، مسائل مالی از رشدماندگی کشورهای در حال توسعه را در یک سمت، و تمام مسائل غیر مالی آن را در سمت دیگر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، این رهیافت، در تبیین علل از رشدماندگی، وزن توسعه‌نیافتگی بخش مالی را به طور ضمنی برابر با وزن توسعه‌نیافتگی بخش‌های غیر مالی اقتصاد (در کل می‌توان گفت، بخش واقعی اقتصاد) می‌داند. از سوی دیگر، این رهیافت، نهایتاً مؤلفه‌های اصلی و زیربنایی مرتبط با مسائل مالی رشد اقتصادی را در «نرخ پس‌انداز ملی» و سطح توسعه‌یافتگی «واسطه‌گری مالی» دسته‌بندی می‌کند. چنان‌که پیش‌تر نشان داده شد، نرخ پس‌انداز ملی ایران در سطح قابل قبولی (به طور متوسط، بالای ۴۰ درصد در ۲۰ سال اخیر) بوده و به نظر نمی‌رسد علتی برای از رشدماندگی اقتصاد ایران باشد.

بنابراین، نظر به اهمیت زیادی که رهیافت HRV به علل مالی از رشدماندگی می‌دهد و نیز با توجه به این‌که نرخ پس‌انداز ملی در ایران قابل قبول است، در این بخش، مسأله توسعه‌نیافتگی مالی اقتصاد ایران در ارتباط با رشد اقتصادی کشور مورد بحث قرار می‌گیرد.

به دلیل تحولات عمیق و پیوسته در بازارهای مالی، شاخص‌های تک‌بعدی توسعه مالی (مانند عمق مالی) نمی‌توانند بینش مناسبی از تغییرات منعکس کنند و حتی ممکن است موجب تحلیل‌های اشتباه شوند. بنابراین، در این پژوهش از همه شاخص‌های توسعه مالی معرفی شده توسط بانک جهانی که مشاهده‌های کافی برای اقتصاد ایران دارند، استفاده شده و سپس با روش تجزیه مؤلفه‌های اصلی^۱ (PCA) شاخص‌های چندبعدی موزون برای ابعاد مختلف توسعه مالی یعنی عمق، جریان بین‌المللی، دسترسی، کارآیی و ثبات محاسبه شده‌اند. این شاخص‌ها در جدول ۹ بر اساس میانگین‌های هندسی پنج‌ساله^۲ به ازای برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی برای ارزیابی عملکرد سیستم مالی ایران آورده شده‌اند.^۳

۱. Principal Component Analysis

۲. البته برنامه‌های اول و چهارم برای یک سال تمدید شده و به مدت شش سال اجرا شده‌اند.

۳. مشابه آن، در پژوهش ابوترابی و همکاران (۲۰۲۰) این شاخص‌های فراگیر مالی در بازه‌های چهارساله (به ازای دولت‌های مختلف پس از انقلاب ۱۳۵۷) به صورت هندسی میانگین‌گیری شده‌اند.

جدول ۹: شاخص‌های فراگیر توسعه مالی

برنامه پنجم	برنامه چهارم	برنامه سوم	برنامه دوم	برنامه اول	شاخص	بُعد
۵۲/۱۱	۴۴/۴۸	۲۸/۵۸	۱۵/۷۵	۱۸/۴۹	اعتبارات بانک‌های سپرده‌پذیر به بخش خصوصی به GDP	عمق
۲۰/۳۲	۱۲/۰۷	۸/۷۲	۱۰/۶۵	۵/۸۸	دارایی‌های مؤسسات مالی غیر بانکی به GDP	
۹۶/۶۹	۹۳/۷۹	۷۹/۷۹	۹۳/۰۶	۵۰/۰۸	دارایی‌های بانک‌های سپرده‌پذیر به کل دارایی‌های سیستم بانکی و بانک مرکزی	
۶۲/۸۰	۴۵/۸۲	۳۵/۳۵	۴۴/۰۸	۴۰/۳۴	بدهی‌های نقدی به GDP	
۲/۰۲	۲/۹۹	۷/۳۴	۳/۲۱	۱۹/۹۵	دارایی‌های بانک مرکزی به GDP	
۵۹/۴۹	۴۲/۸۲	۳۲/۵۵	۴۱/۳۳	۳۴/۳۷	سپرده‌های سیستم مالی به GDP	
۵۲/۱۱	۴۴/۴۸	۲۸/۵۸	۴۲/۸۰	۲۴/۴۱	اعتبارات بانک‌های سپرده‌پذیر و سایر مؤسسات مالی به بخش خصوصی به GDP	
۵۹/۶۲	۴۷/۴۱	۲۹/۸۷	۱۶/۵۱	۲۰/۲۴	دارایی‌های بانک‌های سپرده‌پذیر به GDP	
۵۵/۴۵	۴۸/۴۷	۳۲/۸۳	۴۶/۵۶	۲۰/۸۴	اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به GDP	
۴۷/۸۲	۳۵/۸۹	۲۷/۰۶	۲۴/۸۷	۲۷/۴۸	← شاخص چندبُعدی عمق بانکی از ترکیب شاخص‌های بالا (به جز دو مورد آخر)	
۰/۱۶۲	۰/۰۸۲	۰/۰۸۳	۰/۰۷۲	۰/۰۲۹	حق بیمه‌های عمر به GDP	
۱/۱۵	۱/۰۲	۰/۸۶۲	۱/۰۳	۰/۳۳۰	حق بیمه‌های غیر عمر به GDP	
۱/۱۴	۱/۰۱	۰/۸۵۷	۰/۴۷۳	۰/۳۴۰	← شاخص چندبُعدی عمق بیمه از ترکیب دو شاخص بیمه عمر بالا	
۲۸/۱۲	۱۳/۲۲	۱۲/۸۸	۱۲/۲۴	۳/۰۷	تجمع سرمایه بازار سهام به GDP	
۴/۰۳۹	۲/۶۹	۲/۳۸	۲/۵۳	۰/۴۰۶	ارزش کل سهام مبادله شده به GDP	
۲۷/۹۹	۱۳/۱۶	۱۲/۸۳	۱۳/۷۱	۳/۰۵	← شاخص چندبُعدی عمق بازار سهام از ترکیب دو شاخص سهام بالا	
۴۲/۱۵	۳۰/۸۷	۲۴/۰۴	۲۲/۴۶	۱۹/۸۱	← شاخص چندبُعدی عمق سیستم مالی از ترکیب سه شاخص چندبُعدی عمق	
۵/۴۸	۱۳/۷۲	۳۱/۷۸	۲۴/۸۴	۲۸/۳۴	← شاخص چندبُعدی جریان بین‌المللی سیستم مالی از ترکیب شاخص‌های وام‌های دریافتی از بانک‌های خارج از کشور به GDP وام‌ها و سپرده‌های بیرونی بانک‌ها به سپرده‌های بانکی داخلی خالص وجوه حواله شده به GDP مطالبات خارجی تلفیقی بانک‌ها به GDP	
۲۸/۶۱	۲۷/۶۷	۲۷/۹۶			تعداد شعبه‌های بانکی به ازای هر صد هزار نفر بزرگسال	دستوری
	۳۹/۶۹	۵۸/۵۶	۴۴/۸۹		ارزش کل سهام مبادله شده (بدون ده شرکت برتر) به GDP	
	۵۲/۴۳	۵۷/۷۱	۶۵/۲۰		تجمع سرمایه بازار سهام (بدون ده شرکت برتر) به GDP	
	۴۳/۱۳	۵۸/۵۴	۵۰/۲۶		← شاخص چندبُعدی دستوری بازار سهام از ترکیب دو شاخص بازار سهام	کارآیی
۸/۵۳	۳/۳۷	۱/۴۶	۲/۷۲	۱/۵۵	اعتبارات اعطایی به دولت و شرکت‌های دولتی نسبت به GDP	
۱۴/۸۰	۲۱/۴۷	۱۸/۶۴	۲۲/۸۱	۱۵/۸۳	گردش مالی بازار سهام	
۸۰/۳۴	۸۵/۷۴	۸۷/۱۵	۸۶/۴۸	۸۷/۱۳	← شاخص چندبُعدی کارآیی سیستم مالی از ترکیب دو شاخص بالا	
۵۹/۴۹	۴۲/۸۲	۳۲/۵۵	۴۱/۳۳	۳۲/۷۶	اعتبارات بانکی به سپرده‌های بانکی	نهایت

منبع: دسته‌بندی بر اساس بانک جهانی (۲۰۲۰)، پایگاه جهانی داده‌های توسعه مالی^۱ (GFDD)

¹. Global Financial Development Dataset

با توجه به جدول ۹ عمق مالی بانکی در ایران به طور کلی افزایش یافته است. در برنامه اول توسعه، علی‌رغم سیاست‌هایی که جهت افزایش عمق مالی به نفع بخش‌های مختلف اقتصادی دنبال شده، عمق مالی کاهش می‌یابد. البته در این برنامه این‌گونه سیاست‌گذاری شده بود که افزایش عمق مالی برای حمایت از رشد بخش‌های کشاورزی و صنعت، همراه با سرکوب نرخ بهره به نفع این بخش‌ها اتفاق بیافتد.^۱

در برنامه دوم، سیاست‌هایی در جهت افزایش عمق مالی به نفع بخش‌های مختلف پیشنهاد شده بود^۲؛ اما با مداخله و مقررات‌زایی‌های دولت، عمق بانکی عملاً کاهش یافت. در این برنامه افزایش عمق تسهیلات بانکی از طریق سرکوب مالی و به نفع بخش واقعی به خصوص خدمات مد نظر بوده؛ که توسعه مالی نامتوازن را به همراه داشته و آثار توسعه مالی بر رشد را کم‌رنگ کرده است. در برنامه سوم توسعه، افزایش عمق اعتبارات بانکی از طریق سرکوب نرخ بهره و تأثیر آن بر رشد بخش‌های کشاورزی و خدمات قابل مشاهده است.^۳ به‌علاوه، سرکوب نرخ بهره جهت حمایت از بخش صنعت نیز سیاست‌گذاری شده بود.^۴ البته در قوانین این برنامه، کاهش مداخله دولت از طریق تسهیلات تکلیفی^۵، و همچنین افزایش عمق سپرده‌های بانکی از طریق تجمیع پس‌اندازهای مردم نیز در این برنامه لحاظ شده بود.

در برنامه چهارم تعمیق بانکی تبعیضی به نفع بخش کشاورزی و صنعت در نظر گرفته شده بود.^۶ در برنامه پنجم، توسعه سیاست‌های عمق بانکی از طریق اعطای تسهیلات بانکی و پرداخت بخشی از سود تسهیلات بانکی به دریافت‌کنندگان آن مد نظر بوده است^۷، که همچنان با سیاست سرکوب نرخ بهره جهت افزایش عمق بانکی همراه بود.^۸

۱. بند ه تبصره ۲۹ ماده واحده؛ تبصره ۲۹ ماده واحده. برای اطلاع از جزئیات این مورد و سایر موارد ادعا شده در چارچوب برنامه‌های توسعه پس از انقلاب ۱۳۵۷، ر. ک. ابوترابی و همکاران (۱۴۰۰).

۲. بندهای الف و ج تبصره ۱۰؛ بند م تبصره ۱۹؛ بند و تبصره ۲۵؛ تبصره ۷۵؛ بندهای ۱ و ۲ تبصره ۷۷؛ تبصره ۹ ماده واحده.

۳. ماده‌های ۵۰، ۵۱، ۵۴، ۵۵ و بنده ماده ۱۵۲.

۴. ماده‌های ۶۷ و ۱۳۹.

۵. ماده ۸۴.

۶. ماده ۱۱؛ بند د و هم‌ماده ۱ و بند ج ماده ۱۰.

۷. بند ج ماده ۸۵؛ بند ی ماده ۸۴؛ بند الف ماده ۱۴۵؛ تبصره ۲ ماده ۱۸۳؛ بند ج ماده ۲۲۴؛ ماده ۷ و بند ه ماده ۱، برنامه و بودجه، قوانین و مقررات ارجاعی.

۸. ماده ۹۲.

در مجموع، با وجود سیاست‌های تبعیضی جهت افزایش عمق مالی به نفع بخش‌های خاص، نه دولت‌ها استراتژی توسعه اقتصادی منسجم و غالبی داشته‌اند و نه این سیاست‌های تبعیضی هم به طور سازگار با یکدیگر در قالب یک استراتژی توسعه اقتصادی متوازن یا استراتژی توسعه اقتصادی نامتوازن (با یک بخش پیشرو مشخص) طراحی شده‌اند.

به استناد جدول ۹ شاخص‌های عمق مالی دارایی‌های بانک‌ها و انباشت سرمایه بازار سهام روند متفاوتی با مؤسسات مالی غیر بانکی و بانک مرکزی داشته‌اند. بدین ترتیب که سیستم بانکی و بازار سهام عمیق‌تر شده‌اند، اما عمق مؤسسات مالی غیر بانکی تغییر محسوسی نداشته و عمق مالی بانک مرکزی به شدت کاهش یافته است.

در برنامه دوم، به افزایش عمق مؤسسات مالی غیر بانکی توجه شده بود، اما در عمل با کاهش حتی نسبت به دوره قبل مواجه شد. در برنامه سوم توسعه، سیاست‌های مشخص‌تری در حمایت از مؤسسات مالی غیر بانکی به چشم می‌خورد^۱ که به تدریج روند آن را اندکی صعودی کرد.

عمق مالی بانک مرکزی پس از جنگ همواره نزولی بوده که به معنی کاهش قابل توجه توانایی بانک مرکزی در مدیریت سیستم مالی است. بنابراین اقتصاد ایران نیاز دارد همانند اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال گذار، در طراحی سیستم و نهاد(های) مقرراتی بازار مالی خود تجدید نظر کند.

طبق جدول ۹، افزایش شدید شاخص انبار عمق بازار سهام و افزایش نسبتاً اندک انبار عمق بخش بیمه، مشاهده می‌شود. افزایش انبار عمق بازار سهام از برنامه دوم توسعه مورد توجه قرار گرفته است^۲.

به علاوه، رشد عمق مالی بیمه‌های غیر عمر بیش‌تر از بیمه‌های عمر بوده است. باید توجه شود که برخی بیمه‌های غیر عمر اجباری شده‌اند. بنابراین، بالاتر بودن عمق مالی بیمه‌های غیر عمر در مقایسه با بیمه‌های عمر و نیز روند فزاینده رشد بیمه‌های غیر عمر در برخی دوره‌ها به معنی توسعه درون‌زای سیستم مالی نبوده و نمی‌توان انتظار آثار مثبت قابل توجه از آن داشت.

۱. ماده‌های ۹۲ و ۱۴۷.

۲. برای نمونه، «توسعه و تقویت بازار بورس اوراق بهادار از طریق اصلاح قوانین و بهبود و توسعه شبکه اطلاع‌رسانی و در اختیار قرار دادن اطلاعات به هنگام به مردم در مورد وضعیت شرکت‌های پذیرفته‌شده به اصل حراج و مکانیزم عرضه و تقاضا در این بازار» و «ایجاد سازمان‌های فعال در بازار سرمایه توسط بخش‌های خصوصی و تعاونی مثل بانک‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی غیر بانکی و ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری».

با توجه به شاخص‌های چندبعدی عمق بخش‌های مختلف سیستم مالی که در جدول ۹ گزارش شده است، عمق بانکی نزدیک‌ترین هم‌روندی را با عمق کل سیستم مالی داشته که گویای بانک‌محوری سیستم مالی در ایران است. عمق بیمه در ایران کم‌ترین مقدار و کم‌ترین نوسانات را داشته است.

با وجود تلاش‌ها جهت ایجاد عمق مالی بین‌المللی در برنامه‌های سوم^۱، چهارم^۲ و پنجم^۳، این بُعد از عمق مالی روند کاهشی داشته است. توسعه بانکداری خصوصی با هدف افزایش عمق بانکی از برنامه سوم توسعه در دستور کار قرار گرفت^۴ و روند رو به رشدی را آغاز کرد. طبق برنامه پنجم توسعه، قوانین ضد آزادسازی مالی، در کنار ادامه روند افزایشی عمق مالی دنبال شد^۵. به تبع آن، سرکوب مالی که سبب کاهش انگیزه بانک‌ها و بیمه‌های دولتی برای تحقق بهترین سطح از کارکردهای سیستم مالی شده و در سطح کلان با ایجاد یک توسعه مالی نامتوازن، حتی عمق سیستم مالی را کاهش داده است.

وضعیت دسترسی مالی در ایران بسیار نامطلوب است. با این‌که سیستم مالی ایران به شدت بانک‌محور است، دسترسی مالی بانکی به مراتب بدتر از دسترسی مالی بازار سهام است. برخی از شاخص‌های دسترسی در دوره‌هایی بهبود یافته، اما دوباره روند کاهشی پیدا کرده‌اند. از سوی دیگر، شاخص ارزش سهام مبادله شده (نسبت به تولید ناخالص داخلی) و شاخص چندبعدی دسترسی بازار سهام در دوره‌هایی، رشد خوبی را تجربه کرده‌اند. با این حال، همچنان تلاش شده که دسترسی بانکی را با سرکوب نرخ بهره بهبود بخشند^۶؛ در نتیجه، اثر نهایی آن بر رشد مورد تردید جدی قرار دارد.

در برنامه پنجم، سرکوب مالی و افزایش دسترسی مالی به نفع بخش صنعت^۷، و نیز به تقویت دسترسی بانکی به نفع بخش کشاورزی^۱ دنبال شده است. در این دوره همچنین با ایجاد بانک‌های توسعه‌ای (تخصصی) به افزایش دسترسی بانکی کمک شده است.

۱. بند ب ماده ۸۵ و ماده ۹۳.

۲. بند ب ماده ۱۳، بند ج ماده ۱۵.

۳. بند ب ماده ۸۱، بندهای ج و د ماده ۸۲، ماده ۱۱۳، بند ف ماده ۲۲۴.

۴. ماده ۹۸، ماده ۱۱۱، بند ز ماده ۱۱۳، بند ب ماده ۱۸۱.

۵. ماده ۹۳.

۶. برنامه سوم توسعه ماده‌های ۵۰، ۵۱، ۵۴، بند ج ماده ۱۱۶؛ بند ه ماده ۱۵۲؛ بند ب ماده ۱۸۱.

۷. ماده ۱۳۹ و تبصره ۲ ماده ۱۸۳.

در خصوص افزایش دسترسی بازار سهام در برنامه سوم توسعه، به رعایت اولویت‌هایی در شیوه فروش سهام شرکت‌ها^۲ می‌توان اشاره کرد. این سیاست‌ها به روند افزایشی این شاخص کمک کرد؛ اما سیاست‌های دیگری در برنامه پنجم توسعه^۳ به روند کاهشی آن انجامید. به‌طور کلی، دولت‌ها در برنامه‌های توسعه مختلف سعی کردند از سه طریق توسعه بانک‌های تخصصی، سرکوب نرخ بهره و تسهیل موانع غیر قیمتی دریافت اعتبارات، دسترسی مالی را بهبود بخشند، اما حداقل درباره اثربخشی بانک‌های تخصصی و سرکوب نرخ بهره تردید جدی وجود دارد.

سرانجام شاخص‌های عملکرد سیستم مالی از دو بُعد کارآیی و ثبات بحث می‌شوند. توجه شود که نسبت اعتبارات به سپرده‌ها، در واقع، شاخص بی‌ثباتی سیستم بانکی را نشان می‌دهد. در برنامه اول توسعه سیاست‌هایی به منظور کاهش ناکارآیی سیستم بانکی از طریق کاهش استقراض دولت از سیستم بانکی^۴ و نیز کارآیی بخش بانکی (وام‌ها و تسهیلات اعطایی به بخش غیر دولتی)^۵ مورد توجه قرار گرفته است. البته چنان که در جدول ۹ مشخص است، این سیاست‌ها به درستی اجرا نشدند. همچنین، علی‌رغم گنجانیدن سیاست‌هایی در برنامه دوم توسعه به منظور افزایش کارآیی بازار سهام، بهبود چندانی مشاهده نمی‌شود. در برنامه چهارم توسعه ماده قانونی صریحی برای ایجاد ثبات بانکی وجود دارد؟^۶ که احتمالاً افزایش ثبات در این دوره و دوره‌های بعدی را توضیح می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری و دلالت‌ها

به‌طور کلی، بر اساس درخت تصمیم‌گیری HRV علل از رشد ماندگی اقتصاد ایران به شرح جدول ۱۰ شناسایی و دسته‌بندی شد.

۱. ماده ۸ قانون الحاقی.

۲. ماده‌های ۹ و ۱۶.

۳. ماده ۱۸ و ۲۰.

۴. بند ۲-۱-۴ تصویر کلان برنامه.

۵. بند ۳-۱-۴.

۶. بند ۱۰ ماده ۱۰.

جدول ۱۰: علل از رشدماندگی اقتصاد ایران

ردیف	دسته	علل از رشدماندگی	دلالت سیاستی
۱	محیط زیست	<ul style="list-style-type: none"> افزایش شدید آلودگی و تخریب محیط زیست کاهش مستمر ظرفیت بیولوژیک 	حفاظت از محیط زیست
۲	سرمایه انسانی	<ul style="list-style-type: none"> مهاجرت زیاد سرمایه‌های انسانی از کشور ورود اندک مهاجران دارای سرمایه انسانی بالا کیفیت پایین سیستم آموزشی دسترسی نامناسب به اینترنت در مدارس توسعه ناکافی آموزش کارکنان کیفیت پایین مدارس مدیریت 	ارتقاء کیفیت آموزش و توسعه مهارت‌ها رشد دستمزدمحور
۳	زیرساخت‌ها	<ul style="list-style-type: none"> کیفیت جاده‌ها کیفیت عرضه برق کیفیت بنادر کیفیت حمل و نقل هوایی 	مشارکت‌های عمومی - خصوصی سرمایه اجتماعی
۴	ریسک‌های خرد	<ul style="list-style-type: none"> ضعف در حقوق مالکیت کارآیی پایین دولت بار زیاد مقررات‌زایی دولت حمایت ناکافی از منافع سهام‌داران خرد حمایت ضعیف از سرمایه‌گذاران عدم شفافیت سیاست‌گذاری دولت 	حکمرانی خوب
۵	ریسک‌های کلان	<ul style="list-style-type: none"> کسری تراز عملیاتی دولت بالا بودن بدهی دولت بالا و پرنوسان بودن نرخ‌های تورم 	حکمرانی خوب
۶	پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ضعیف بودن رقابت در بازار داخلی محدود بودن گستره تسلط بازار رویه‌های گمرکی پرهزینه و زمان‌بر تعرفه‌های تجاری بالا موانع شدید غیر تعرفه‌ای ظرفیت پایین نگهداشت استعدادها ظرفیت پایین جذب استعدادها اثر منفی مالیات‌ستانی بر انگیزه‌های کار 	بازارگرایی آزادسازی تجاری
۷	واسطه‌گری مالی	<ul style="list-style-type: none"> دسترسی مالی ضعیف عمق کم بازار بیمه‌های عمر عمق مالی بین‌المللی بسیار کم سرکوب مالی شدید تبعیض‌های بخشی بدون برنامه و صلاح‌حیدی 	توسعه مالی متوازن

آسیب‌های شناسایی‌شده برای رشد اقتصادی ایران و دلالت‌های سیاستی مرتبط با هر یک از آن‌ها به شرح زیر ارائه می‌شود.

۱) چنان‌که بحث شد، کشور ایران به لحاظ جغرافیا ضعیف نبوده، بلکه بسیار غنی است؛ اما محیط زیست ایران در معرض تخریب شدید و جدی قرار گرفته و کیفیت آن به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. به ویژه، در دهه‌های اخیر از یک سو، تخریب محیط زیست شدت گرفت و از سوی دیگر، ظرفیت بیولوژیکی کشور نیز کاهش یافته است. این دو باعث فشار مضاعفی بر محیط زیست ایران شده‌اند. بنابراین، هر استراتژی رشد و توسعه اقتصادی که برای آینده اقتصاد ایران در نظر گرفته شود، ناگزیر است مقید به حفاظت از محیط زیست کشور و حتی بازآفرینی ظرفیت‌های بیولوژیکی از دست رفته آن باشد.

۲) هر چند کمیت سرمایه انسانی ایران در وضعیت مناسب و مستمر رو به رشدی بوده است، اما در اکثر مؤلفه‌های کیفی، سرمایه انسانی کشور وضعیت قابل قبولی (که متناسب با آن کمیت باشد) ندارد. این موضوع با میزان بالای خالص خروج سرمایه انسانی از کشور (خروج مهاجران با سرمایه انسانی بالا و ورود مهاجران با سرمایه انسانی پایین) تشدید شده است. برای حل این مسأله لازم است از یک سو، کیفیت آموزش (پیش و پس از ورود به بازار کار) ارتقاء یابد تا آن دسته از نیروی کار که در کشور فعال هستند (یا مهاجرانی که به کشور وارد می‌شوند) از کیفیت سرمایه انسانی بالاتری برخوردار شوند؛ و سوی دیگر، استراتژی رشد دستمزدمحور در پیش گرفته شود.^۱ به این معنی که اقتصاد کشور به سمت تولید کالاها و خدماتی که نیازمند سرمایه انسانی بالایی هستند (تکنولوژی‌های سرمایه انسانی‌پر) رفته و دستمزدها نیز متناسب با سطح سرمایه انسانی و بهره‌وری نیروی کار تعیین شوند. در این صورت، هم تمایل به مهاجرت در میان نیروی کار داخلی دارای سرمایه انسانی بالا کم شده و هم جذب مهاجران خارجی دارای سرمایه انسانی پایین کاهش می‌یابد (و در مقابل، تمایل به مهاجرت نیروی کار خارجی دارای سرمایه انسانی بالا به ایران افزایش می‌یابد).

۳) در خصوص زیرساختارها، وضعیت ایران در کیفیت برخی زیرساختارها رو به افول بوده (جاده‌ها، و عرضه برق) و در برخی زیرساختارهای دیگر (بنادر، و حمل و نقل هوایی) به اندازه کافی بهبود نیافته است. از آنجایی که زیرساختارها کالاهای عمومی ملی و یا محلی هستند، نه دولت مرکزی، نه دولت‌های محلی و نه بخش خصوصی، به تنهایی انگیزه و توان تولید و عرضه

۱. برای مطالعه بیشتر درباره استراتژی رشد دستمزدمحور و آثار آن، ر. ک. حبیبی و همکاران (۲۰۲۱).

آن‌ها در حد بهینه ندارند. بنابراین، راه‌حل نهایی توسعه زیرساخت‌ها، ایجاد بستر لازم جهت ارتقاء مشارکت‌های عمومی-خصوصی^۱ است. شرط کلیدی برای این که مشارکت‌های عمومی-خصوصی منجر به عرضه زیرساخت‌ها در سطحی بهینه شود، به تعبیر پاتنم^۲ (۱۹۹۳) برخورداری جامعه از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی است: جوامعی با انباشت سرمایه اجتماعی (اعتماد) ناکافی، هیچ گونه مزیت نسبی در عرضه کالاهای عمومی محلی ندارد، و بنابراین باید برای عرضه این کالاها به دولت اتکا کنند، هر چند که هزینه مطلق این کار زیاد باشد. عرضه ناکافی کالاهای عمومی محلی در چنین جوامعی اجتناب‌ناپذیر است.

۴) به طور کلی، اقتصاد ایران در تمامی مؤلفه‌های ریسک‌های خرد با مشکلات مزمن و مستمری مواجه است که ریشه در کیفیت پایین حکمرانی دارد. راه‌حل نهایی کاهش این ریسک‌های خرد، مشابه ریسک‌های کلان، در تقویت حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب و مصادیق آن در مورد بعدی (ریسک‌های کلان) تبیین خواهد شد، اما در ارتباط با ریسک‌های خرد، به نظر می‌رسد راهکار کلیدی تن دادن دولت به یک تعریف صحیح و پایدار از رابطه میان دولت و مردم است. این که دولت بخش خصوصی را رقیب خود نداند و از توسعه بخش خصوصی کارآ، بهره‌ور، رقابتی و مبتنی بر خلاقیت پیش‌برنده بیم نداشته باشد. در برنامه‌ها و بسته‌های سیاستی، مرتب از خصوصی‌سازی صحبت می‌شود، ولی در عمل گرایش شدیدی به دولتی‌سازی اقتصاد از تولید تا توزیع وجود دارد. اقتصاد ایران نیاز به خصوصی‌سازی قوی، به جای خصوصی‌سازی ضعیف، دارد. خصوصی‌سازی قوی به معنای به رسمیت شناختن جدی و اصالت بخشیدن به بخش خصوصی است. یعنی نخست این که بخش خصوصی باید امکان قانونی ورود به فعالیت‌های بزرگ و کوچک اقتصادی به صورت تأسیس شرکت‌های بزرگ و کوچک جدید، علاوه بر خرید شرکت‌های موجود، را داشته باشد. دوم این که تغییر مالکیت به تنهایی خصوصی‌سازی محسوب نمی‌شود، بلکه باید بخش خصوصی مدیریت کسب و کار را خود به عهده بگیرد. سوم این که علاوه بر مسئله مالکیت و مدیریت، موضوع محیط مقرراتی و درجه و شدت رقابت بسیار مهم است. باید محیط مقرراتی مناسبی از لحاظ شفافیت سیاست‌های دولت، امید به آینده بخش خصوصی، وجود محیط رقابتی و فضای مساعد کسب و کار مهیا شود.

1. Public-Private Partnership

2. Putnam

۵) در مورد ریسک‌های کلان، آن‌چنان که پیدا است، سیاست‌های مدیریت اقتصاد کلان دولت عامل اصلی بی‌ثبات‌کننده اقتصاد کلان کشور بوده است. نرخ‌های تورم بالا، به همراه کسری بودجه‌های قابل توجه و نسبت بالای بدهی‌های دولت تنها بخشی از عوامل روساختاری این بی‌ثباتی مزمن هستند. در حالی که علل زیرساختاری و اصلی را باید در نوع و کیفیت حکمرانی در اقتصاد ایران جستجو کرد.

تقریباً اغلب پژوهش‌ها بر حکمرانی خوب و شاخص‌های آن تأکید داشته و یکایک این شاخص‌ها بسیار اهمیت دارند: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی، شکل‌گیری وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثربخشی و کارآیی و مسئولیت‌پذیری. یک عنصر به این عناصر هشت‌گانه قابل افزودن است و آن نیاز شدید به یک گرایش و اندیشه صحیح و روشن در سیاست‌گذاری رشد و توسعه اقتصادی و یادگیرندگی سیاستی است که باعث توانمندی سیاست‌گذار در تدوین و اجرای برنامه‌ها و استراتژی‌های اقتصادی صحیح کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت به منظور تضمین رشد پایدار و بلندمدت اقتصاد و کاستن آسیب‌ها و مسائل اقتصاد می‌شود. نبود این عامل زمینه‌ساز ایجاد ساختارهای شکننده، فرآیندهای ناکارآ و سیاست‌های غیر اثربخش برای اقتصاد کشور می‌شود؛ که آن را در برابر کوچک‌ترین شوک داخلی و یا خارجی آسیب‌پذیر می‌سازد. در عمل دیده می‌شود که در برنامه‌های توسعه، سیاست‌های متضاد و متناقض در کنار هم به حیاتشان ادامه می‌دهند و بارها و بارها تکرار می‌شوند، مسیرهای طی شده دوباره برگشت می‌خورند و اقتصاد برمی‌گردد سر خان اول، همان جایی که قبلاً بود. به عنوان مثال، در برنامه‌های توسعه، سیاست‌های درون‌گرایی شدید در کنار سیاست‌های برون‌گرایی آرمانی، سیاست‌های خصوصی‌سازی رؤیایپردازانه در کنار اصرار عملی بر تصدی‌گری دولت و ناتوانی دولت در دل‌کندن از سهام‌داری و بنگاه‌داری، سیاست‌های حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر در کنار سیاست‌های مالیاتی ناکارآ و سرکوب دستمزدها، سیاست‌های حمایت از تولید در کنار مقررات‌زایی روزافزون و فضای کسب و کار پیچیده و نامساعد و مثال‌های بسیار دیگر.

۶) پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی یکی از چالش‌برانگیزترین دسته‌ها در مسأله از رشدماندگی اقتصاد ایران هستند. چنان‌که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، اقتصاد ایران تقریباً در تمام مؤلفه‌های این دسته، مشکلات جدی و اساسی دارد: بازار داخلی هم در گستره فعالیت و هم در درجه رقابت، به دلیل کوچک بودن ناکارآ است؛ در سطح بین‌المللی نیز وجود موانع قیمتی و غیر قیمتی شدید و پرهزینه، سطح مبادلات تجاری کشور را تنزل داده است؛ علاوه بر این‌ها، ایران هم

در نگهداشت استعدادهای خود و هم در جذب استعدادهای بین‌المللی مورد نیاز خود، عملکرد قابل دفاعی نداشته است.

به نظر می‌رسد راه‌حل نهایی کاهش یا درونی کردن پیامدهای بیرونی اطلاعاتی و هماهنگی در ایران، اعطاء وزن بیشتر به مکانیسم بازار در داخل (بازارگرایی) و در خارج (آزادسازی تجاری) برای تصمیم‌گیری در مورد آن‌ها است. به تعبیر فریدمن و فریدمن^۱ (۱۹۶۲: ۲۴) «استفاده گسترده از بازار از طریق کنار گذاشتن ساختارهایی که با توجه به فعالیت‌های موجود در بافت اجتماعی زاید هستند، فشار روی بافت اجتماعی را کاهش می‌دهد. هر قدر دامنه فعالیت‌هایی که تحت پوشش بازار است گسترده‌تر باشد، مقوله‌های کم‌تری باقی خواهد ماند که صریحاً نیازمند تصمیم‌های سیاسی باشد و بنابراین لازم باشد از طریق توافق به دست آید». بنابراین، بازارگرایی می‌تواند پیامدهای بیرونی ناشی از تصمیم‌های سیاسی را کاهش داده و اصطکاک کم‌تری برای فعالیت‌های اقتصادی ایجاد کند.

۷) در ارتباط با واسطه‌گری مالی، شواهد سبک‌وار ارائه شده برای اقتصاد ایران گویای آن است که بهبود شاخص‌های عمق (به طور خاص عمق بانکی و عمق بازار سهام)، کارآیی (بازار سهام و سیستم بانکی) و ثبات مالی با دوره‌های رشد اقتصادی بالاتر همراه شده‌اند. این هم‌روندی نشان‌دهنده پیوند قوی مالی-رشد است و شواهدی در حمایت از فرضیه رهبری عرضه خدمات مالی ارائه می‌کند. در عین حال، وضعیت دسترسی مالی نامطلوب بوده، تعمیق بازار بیمه‌های عمر کم‌ترین مقدار و کم‌ترین نوسان‌ها را پشت سر گذاشته و سرانجام، عمق مالی بین‌المللی روند کاهشی داشته است.

با بررسی مختصر قوانین برنامه‌های توسعه اول تا پنجم مشخص شد که بیش از ۶۰ تبصره (برنامه اول و دوم) و ماده (برنامه سوم تا پنجم) به سیاست‌های توسعه مالی معطوف بودند. اما این سیاست‌ها، پیگیری یک استراتژی منسجم و قابل دفاع را تأیید نمی‌کنند و بر عکس، گویای سرکوب سیستم مالی و تبعیض‌های بخشی و بدون برنامه هستند. مسلم است که برنامه‌ای با محوریت سرکوب مالی (که متضاد آزادسازی مالی است) به «توسعه مالی متوازن» نمی‌انجامد.

ادبیات نظری و تجربی اقتصاد کلان-مالی بر این مسأله مهر تأیید زده که آثار بالقوه توسعه مالی بر رشد و توسعه اقتصادی در صورت توازن توسعه مالی (بهبود همگام و در متوازن تعمیق مالی، آزادسازی مالی، مدیریت ریسک و نوآوری مالی از طریق سیاست‌های غیر سرکوب‌گرایانه و غیر

^۱ Friedman & Friedman

دستوری) پدیدار می‌شود. اقتصاد ایران نیاز دارد همانند اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال گذار، در نگرش و متعاقباً طراحی سیستم مقرراتی مالی و سیاست‌گذاری‌های توسعه مالی‌اش تجدید نظر کند.

References

- Aboutorabi, M. A. & Hajamini, M. (2020). "Financial System Unbalances and the Problem of Low Economic Growth in Iran: A HRV Approach". National Conference of Growth Diagnostics in Iran; Explaining Production Obstacles and Reforming Strategies and Policies. Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (In Persian).
- Aboutorabi, M. A. Hajamini, M. & Tohidi, S. (2020). "Financial System Performance and Economic Growth in Iran: Some Stylized Facts". Journal of Iranian Economic Issues 7(2): 1-31. (In Persian).
- Aghion, P. & Howitt, P. W. (2009). *The Economics of Growth*, MIT Press.
- Babych, Y. & Fuenfzig, M. (2012). *An Application of the Growth Diagnostics Framework: The Case of Georgia* (No. 001-12). International School of Economics at TSU, Tbilisi, Republic of Georgia.
- Barro, R. J. & Lee, J. W. (2013). "A New Data Set of Educational Attainment in the World, 1950–2010". Journal of Development Economics 104: 184-198.
- Bhagwati, J. & Hamada, K. (1974). "The Brain Drain, International Integration of Markets for Professionals and Unemployment: A Theoretical Analysis". Journal of Development Economics 1(1): 19-42.
- Borucke, M. Moore, D. Cranston, G. Gracey, K. Iha, K. Larson, J. & Galli, A. (2013). "Accounting for Demand and Supply of the Biosphere's Regenerative Capacity: The National Footprint Accounts' Underlying Methodology and Framework". Ecological Indicators 24: 518-533.
- Caselli, F. (2005). "Accounting for Cross-country Income Differences". In P. Aghion & S. Durlauf (Eds.), *Handbook of Economic Growth*, Volume 1A, 679-741. Elsevier.
- Chalabi, M. & Abbasi, R. (2004). "Comparative Analysis of Brain Drain in Micro and Macro Levels". Human Sciences 41-42: 13-36. [In Persian].
- Dadgar, Y. Nazari, R. & Fahimifar, F. (2020). "The Pathology of Economic Growth Challenge in Iran: HRV Approach". National Conference of Growth Diagnostics in Iran; Explaining Production Obstacles and Reforming Strategies and Policies. Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (In Persian).
- Eltejaei, E. (2020). "Investigating the Causality between Money and Inflation in Iran: a MS-VAR Approach". New Economy and Trade 15(3): 3-26. (In Persian).
- Friedman, M. & Friedman, R. (1962). *Capitalism and Freedom*, University of Chicago Press.
- Global Footprint Network. (2022). Reserve/Deficit Trends. Global Footprint Network. Retrieved from <https://data.footprintnetwork.org/#/>
- Graham, E. G. Garrido, L. & Karjanlahti, A. (2012). "Liberia: Inclusive Growth Diagnostics". Available at SSRN 2305698.

- Habibi, R. Hajamini, M. & Yavari, K. (2021). "The Relationship among Factor Intensities, Wage-led Economic Growth and Income Inequality in the Iranian Economy". Quarterly Journal of Fiscal and Economic Policies **8**(32): 73-101. (In Persian).
- Hafeznia, M. R. (2010). *National Power and Interests*, Entekhab Press, Tehran, Iran. (In Persian).
- Hamilton, J. D. (1989). "A New Approach to the Economic Analysis of Nonstationary Time Series and the Business Cycle". Econometrica **57**: 357-384.
- Hausmann, R. Klinger, B. & Wagner, R. (2008). *Doing Growth Diagnostics in Practice: A 'Mindbook'* (No. 177), Center for International Development at Harvard University.
- Hausmann, R. Rodrik, D. & Velasco, G. D. (2005). "Growth Diagnostics". JFK School of Government, Harvard University, March. <https://growthlab.cid.harvard.edu/files/growthlab/files/growth-diagnostics.pdf>.
- Ianchovichina, E. & Gooptu, S. (2007). "Growth Diagnostics for a Resource-rich Transition Economy: The Case of Mongolia". The World Bank.
- Kamran, H., Gholami, B., Yari, E., Hosseini, S. H., & Khaledi, H. (2010). "Geography and National Power in the Iran". Journal of Geographical Sciences **13**(16), 5-28. (In Persian).
- Mirheydar, D. Rasti, O. & Mirahmadi, F. (2020). *The Basic Themes in Political Geography*, Samt Press, Tehran, Iran. (In Persian).
- Miyagiwa, K. (1991). "Scale Economies in Education and the Brain Drain Problem". International Economic Review **32**(3): 743-59.
- Montazeri Shoorekchali, J. (2020). "Evaluation of the 2021 Budget Law: Lessons for the Budgeting System in Iran". National Conference of Growth Diagnostics in Iran; Explaining Production Obstacles and Reforming Strategies and Policies. Institute for Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran. (In Persian).
- Montazeri Shoorekchali, J. (2022). "Investigating the Effect of Government Financing Methods on Economic Growth in Iran: Markov-Switching (MS) Approach". The Journal of Economic Policy **14**(27): 113-153. (In Persian).
- Penn World Table (2021). International Comparisons of Production, Income and Prices 9.1. Available at: www.rug.nl/ggdc/productivity/pwt/?lang=en
- Psacharopoulos, G. (1994). "Returns to Investment in Education: A Global Update". World Development **22**(9): 1325-1343.
- Putnam, R. D. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton University Press: Princeton.
- Qayyum, A. Khawaja, I. & Hyder, A. (2008). "Growth Diagnostics in Pakistan". European Journal of Scientific Research **24**(3): 433-450.

- Sahiti, F. (2019). *The Growth of Firms in Less-Developed Countries: Lessons from Kosovo*, Springer.
- Santa María, M. C. & Salazar, N. (2007). *Panama's Growth Diagnostics* (No. 009190), Fedesarrollo.
- Sharifi, N. & Eltejaei, E. (2017). "Immigration and Emigration, Total and Educated, and Economic Growth: A Cross-Country Study". *Journal of Iranian Economic Issues* 4(1): 115-134.
- United Nations Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2020). International Migrant Stock 2020. United Nations Database, POP/DB/MIG/Stock/Rev.2020.
- Vinyes, C. & Roe, T. L. (2010). *Growth Diagnostics and a Multisector Ramsey Model: The Case of Brazil* (No. 56502), University of Minnesota, Economic Development Center.
- Wackernagel, M. & Rees, W. (1998). *Our Ecological Footprint: Reducing Human Impact on the Earth* (Vol. 9), New Society Publishers.
- Wong, K. Y. & Yip, C. K. (1999). "Education, Economic Growth, and Brain Drain". *Journal of Economic Dynamics and Control* 23(5-6): 699-726.
- World Bank (2020). Global Financial Development Dataset. World Bank. <https://pubdocs.worldbank.org/en/695871571669949830/October-2019-global-financial-development-database.xlsx>
- World Bank (2023). World Development Indicators. World Bank. http://databank.worldbank.org/data/download/WDI_excel.zip
- World Economic Forum (2015). The Global Competitiveness Report 2014-2015, World Economic Forum: Geneva, Switzerland. https://www3.weforum.org/docs/WEF_GlobalCompetitivenessReport_2014-15.pdf
- World Economic Forum (2019). The Global Competitiveness Report 2019, World Economic Forum: Geneva, Switzerland. https://www3.weforum.org/docs/WEF_TheGlobalCompetitivenessReport_2019.pdf
- World Economic Forum (2020). The Global Competitiveness Index, World Economic Forum: Geneva, Switzerland. <https://tcdata360-backend.worldbank.org/api/v1/datasets/430/dump.csv>.

Application of the growth diagnostics approach in Iran: HRV decision tree

Ebrahim Eltejaei^{1*}
Mohammad Ali Aboutorabi²

Received: 06-11-2022

Accepted: 30-01-2023

Introduction: In spite of the fact that Iran's socio-economic development plans and other effective documents emphasize achieving high, stable and sustainable economic growth rates, the average real GDP growth in the last four decades has been less than 1.3 percent. This low growth rate, along with its severe fluctuations, shows that the development plans and policies administrated by the government were not successful in achieving such economic growth rates. So, they seriously require comprehensive review and reforms. During a given period, many countries on the same level as Iran in terms of per capita income have experienced significant economic growth and have been able to bring the level of per capita income (and, as a result, economic welfare of the people) very close to the pioneer countries in development. But Iran's per capita income still has a "big gap" despite its high and sometimes unique capacities in geographical, civilizational, cultural and economic diversities. Therefore, it is needed to identify and explain the causes of the stunted growth of Iran's economy and, accordingly, to propose solutions to accelerate economic growth and convergence of per capita income and catch up with developed countries. For this purpose, a growth diagnostic approach leads to a defensible and systematic common understanding of the main causes of Iran's low economic growth.

Methodology: The growth diagnostics approach which was first proposed by Hausmann et al. (2005), is a framework for identifying the most important specific obstacles to the economic growth of a country. This approach is consistent with the logic of endogenous growth models but, unlike these models, it does not assume a fixed set of growth determinants for all countries. Instead, it lists all the potential factors, including economic and non-economic, that affect growth in a long list. This approach then makes a decision tree to identify a limited number of key factors. In addition to being more flexible than competing frameworks, this framework does not violate the principles and methodology of economics. The decision tree

¹. Associate Professor of Economics at Institute for Humanities and Cultural Studies
Email: e.eltejaei@ihcs.ac.ir

². Assistant Professor in Economics, Institution for Humanities and Cultural Studies

process begins with this question ‘What is the cause of the low level of private investment and entrepreneurship in the country?’ In response to this question, which can be "the low social efficiency of investment" or "the high cost of financing", each of these two paths is broken into narrower branches and, finally, it identifies the causes of low economic growth. The main function of growth diagnostics approach is to identify the causes of low economic growth in a country. In this research, however, we applied the HRV decision tree, which is because we believe this tree can lead us to the most important problems in the Iranian economic growth.

Results and Discussion: According to the HRV (2005), we classified our findings for the final causes of low economic growth of Iran into seven categories as reported in the table below.

Causes of the lag in Iran’s economic growth

No	Categories	Causes	Policy implications
1	Environment	<ul style="list-style-type: none"> • Drastic Increase in Pollution and Destruction of the Environment • Continuous Reduction of Biological Capacity 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Environmental Protection
2	Human capital	<ul style="list-style-type: none"> • High Migration of Human Capital from the Country • Little Arrival of Immigrants with High Human Capital • Low-Quality Education System • Inappropriate Access to The Internet in Schools • Inadequate Development of Employee Training • Low-Quality Management Schools 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Improve the Quality of Education and Skills Development ✓ Wage Based Growth
3	Infrastructures	<ul style="list-style-type: none"> • Roads Quality • Quality of Electricity Supply • Ports Quality • Aviation Quality 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Improve Public-Private Partnerships ✓ Improve Social Capital
4	Micro risks	<ul style="list-style-type: none"> • Weakness in Property Rights • Low Government Efficiency • Heavy Burden of Government Regulations • Inadequate Protection of the Interests of Small Shareholders • Weak Support for Investors • Lack of Transparency 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Good Governance

5	Macro risks	<ul style="list-style-type: none"> • Deficit of the Government's Operating Balance • High Government Debts • High and Fluctuating Inflation Rates 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Good Governance
6	Externalities of information and coordination	<ul style="list-style-type: none"> • Weakness of Competition in the Domestic Market • Limited Market Dominance • Expensive and Time-Consuming Customs Procedures • High Trade Tariffs • Severe Non-Tariff Barriers • Low Capacity for Talents Saving • Low Capacity for Talents Attraction • The Negative Effect of Taxation On Labour Incentives 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Market-Oriented Policies ✓ Trade Liberalization
7	Financial intermediation	<ul style="list-style-type: none"> • Poor Financial Access • Poor Life Insurance • Poor International Financing • Severe Financial Repression • Arbitrary Sectoral Discrimination Without Plans 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ Balanced Financial Development

Conclusion: In this article, applying growth diagnostics approach and HRV decision tree, several factors were identified as the obstacles to Iran's economic growth. They include the quality of human capital, the quality of infrastructures, and micro and macro risks both of which refer to the economic management policies of the country, namely good governance indicators and policies. In the financial sector, financial repression and arbitrary sectoral discriminations are the most important factors in the lack of balanced financial development to accelerate economic growth. This set of determinants has been formed under the severe lack of a correct and clear trend in policy making for economic growth and development.

Keywords: Growth diagnostics, Iranian economy, Good governance, Micro risks, Macro risks, Financial development.

JEL Classifications: E2, D8, O4, O5, G0.